

مقاله
تحریم انتخابات
ریاست جمهوری

حزب جمهوری اسلامی پس از قبضه کامل قدرت و پس از کشتار رتبه‌داران بنی صدر اینک سعی دارد با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آخرین موفع حکومتی را نیز رسماً به تصرف درآورد و به سلطه خود بر تمامی نهادها شکلی قانونی بخشد. با وجودیکه این انتخابات ویرانگری - های خاص خود را داراست اما وجودیکه این انتخابات حتی بیش از انتخابات گذشته جنبه فرمایشی و نمایشی دارد، اما وجودیکه بشارت‌دهنده می‌آورد، طبقاتی ویرانگر و جگری می‌آورد، بشارت‌دهنده‌ها، بشارت‌دهنده‌های بیش از پیش چهره فداخلقی حزب جمهوری اسلامی و بشارت‌دهنده‌های سرکوبگرانه رژیم این انتخابات نمی‌تواند بصورت مسالمانه حادثه‌ها درآید و می‌تواند نشان را تحت الشعاع قرار دهد، اما علی‌رغم تمام این عوامل - با وجودیکه در انتخابات کتیک ما نسبت به انتخابات تا شیر خواهد نهاد - ما و سایر نیروهای انقلابی را از موضعگیری در مقابل انتخابات آتی دیر نخواهد کرد.

همواره و در هر انتخاباتی ابتدا باید به یک سؤال اصلی پاسخ روشن و صریح داد. شرکت در انتخابات و یا تحریم آن

بقیه در صفحه ۲

چون گویا استوار و چون پیروز
مقاوم و دست‌نخورده

رویا روشی با دشواریها و آزمونهای سخت است که تاریخ در برابر جنبش انقلابی و سازمانهای سیاسی قرار داده است. در اینجا است که بویژه کمونیستها باید در عمل نشان دهند که برآستی انسانهاست از تبار دیگرند و با ایمان به پیروزی - طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در برابر سختیها و دشواریها چون گویا استوار و چون پیولاد مقاوم و سرسخت با دشواریها رویا روشی میکنند. سراسر تاریخچه جنبش کمونیستی جهانی سرشار است از چنین مقاومت‌ها، بیداریها و حماسه‌آفرینی

بقیه در صفحه ۱۳

رفقا! هر جنبش انقلابی و هر بازمان سیاسی در طول حیات خود فرازونشیب‌هایی را پشت سر میگذارد، و در کوره آزمونهای مبارزات سخت درسیها می‌آموزد و راه پیروزی خود را هموار می‌کند. بدون گذشت از یک سری موانع و دشواریها، بدون رویاروشی با نبردها و آزمونهای سخت نه هیچ جنبش انقلابی به پیروزی رسیده است و نه هیچ سازمان سیاسی تبدیل به پیش‌آهنگ آبدیده و پیولادین طبقه و رهبری کننده توده‌ها گشته است. آنچه که امروز در میهن ما میگذرد، نمونه‌ای از این

خمینی چه گفت
خمینی چه کرد؟
(صفحه ۹)

انتخابات میان دوره‌ای
مجلس، نموداری از
سلب اعتماد توده‌ها
از نهادهای حاکمیت
صفحه ۱۶

- در این شماره
- جنبش چهارم - ستانی
 - جنبش کارگری
 - گزارشی از ترمین صحرا
 - از اعلامیه‌ها و... کارگران پیشرو

بودجه ۶۰: نامهای بلندبسیوی امپریالیسم
جمهوری اسلامی تکمیل آرتیه‌های دشمن

بی ارتباط با یکدیگر باشد. وقت سیاسی سیاستهای تامین درآمدهای دولت در جهت نزدیکی به امپریالیستها، تشدید وابستگی و فشار بر توده‌های زحمتکش میهنمان قرار دادند. سیاستهای راکه دولت در جهت خرج این درآمدها متعهد میشود نیز در همان راستا واقع میشود.

بقیه در صفحه ۷

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی
پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان



حمله مزدوران جمهوری اسلامی به کارکنان پالایشگاه تهران

صبح روز دوشنبه ۲۸/۴/۶۰ کارکنان پالایشگاه تهران در محل پارکینگ مقابل پالایشگاه موردتهاجم پاداران و انجمنی ها قرار گرفتند. در این ماجرا عده ای دستگیر شدند که هنوز از سرخوش آنها خبری در دست نیست.

صبح روز دوشنبه کارکنان پالایشگاه تهران طبق روال روزانه و بی خبر از آنکه که شب قبل در مرکز حزب جمهوری اسلامی اتفاق افتاده بود، با سرویسهای خودروا به محل کار رفته اند. آنها غرضی از تعطیلی دوره نیز بی خبر بودند. کارکنان ضمن حرکت، در سرویس از طریق رادیو از ماجرا با خبر شدند، اما برای

ادامه کار خود و کسب تکلیف، حرکت خود را به سوی پالایشگاه ادامه دادند. اما بلافاصله پس از ورود سرویسها به پارکینگ با وضعیتی غیرعادی روبرو شدند. یکی از نمایندگان شورای پسر ضربه مشت و لگدیکی از شعبان بیخها پالایشگاه (عضو انجمن اسلامی سپاه پاداران) قرار گرفته بود، تمسدا دی را از توپوسها با خشونت پها ده میکردند اوضاع متشنج بود، انجمنی ها و پاداران با خشونت و عصیانیت بهسر سوی می دویدند، بهر حال کارکنان از میان این اوضاع آشفته سرکار خود بقیه در صفحه ۲

جنبش کارگری



اخباری از انجمن های اسلامی کارخانه ها

حکومت فداخلفی جمهوری اسلامی همزمان با پورش به آزادیهای سیاسی حقوق دمکراتیک در نظر دارد و جو خفقان و رعب و وحشت را در کارخانه ها نیز ایجاد کند تا در سایه آن سرما به داران نه راحتی بتوانند به استثمار هر چه بیشتر کارگران بپردازند. در این راه انجمنهای اسلامی به مثابه شاخکهای حزب جمهوری اسلامی در کارخانه ها از تمام شیوه های ممکن برای سرکوب مبارزات برحق کارگران محاکم کردن فضای خفقان بر کارخانه ها استفاده می کنند. آنها در همکاری مستقیم با مدیریت کارخانه بوسیله تهدید، شناسایی و اخراج کارگران میسر و آگاه و دادن اطلاعاتی تهدید میزومنع کارگران از هرگونه بحث سیاسی نقش سازگ کارخانه ها را بازی می کنند. اخبار زیر نمونه های کوچکی است در اثبات این گفتار:

در کارخانه ایران والورین درجی که بین کارگران بر سر حاکمیت در میگردید یکی از افراد لایمن کارخانه که عضو بسیج بوده و روابط بسیار نزدیکی هم با انجمن اسلامی دارد با ایجاد یک درگیری مصنوعی افراد کمیت را خیر کرده و آنها هم سه تن از کارگران را به کمیته می برند یکی دیگر از نزدیکان انجمن اسلامی لیستی از متشن از کارگران که آگشا آگاه و مترقی هستند تهیه کرده و به مدیریت میدهد و اعلام میکند که تا این عتیا زکارخانه اخراج نشوند من تدرک را بر نمی گردم. در کارخانه های دا روپخش و دن پاکسترو منابع هواپخش انجمن اسلامی برای شناسایی کارگران آگاه عده ای از افراد بسیج سپاه پاداران و اخبار دمو می شده از کارخانه کارگاه مقر انجمنهای اسلامی کارخانه ت است بقیه در صفحه ۲

تعطیل و اخراج کارگران صنایع فولاد اهواز تلاش برای ادامه کار فولاد کروب آسان

۲- مخالفت با هرگونه کاهش حقوق و دستمزد کارکنان
۳- مخالفت با اجرای طرحهای تسلیت
تقبیل شعاعی، تعطیل موقت و شورا برای ادامه مبارزه ۲۲ نفر از نمایندگان راجعت مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی به تهران فرستاد. نمایندگان شورا در تهران ابتدا با احمدزاده وزیر صنایع ملاقات کردند. آقای وزیر در پاسخ خواستهای کارکنان گفت: "من شما را به رسمیت نمی شناسم و پاسخی برای شما ندارم" سپس نمایندگان شورا پس از رفتن به نخست وزیر و سایر ارگانهای دولتی بدون نتیجه به اهواز بازگشتند. نمایندگان شورا جویان خود در تهران را در یک مجمع عمومی به اطلاع تمام کارکنان رسانند آنها کارکنان را تشویق به مبارزه برای تحقق خواستهای مادریه در قلمنا می فرا خواندند. که بنا استقبال پر شور کارکنان روپوشد.

مبارزات کارکنان با تجمع و راهپیمایی در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۰ و ۲۱ خرداد ماه ادامه یافت. در روز یکشنبه کارکنان ضمن تعطیل نمودن تمام قسمتها دست به راهپیمایی زدند. در این راهپیمایی کارکنان بر علیه مقامات جمهوری اسلامی و انجمن اسلامی شماس می دادند. پاداران سرما به کارکنان پورش آوردند آنها ضمن بستن راههای در ورود و خروج کارخانه از کارکنان خود خواستند که متشنج شوندا ما کارکنان پاداران راهپیمایی نموده و شکار انجمن اسلامی این لاشه جاسوسی نابود را بد کرده از راست می دادند. در پی جریانات روز یکشنبه و روز دوشنبه پاداران عده ای از نمایندگان و کارگران صنایع فولاد را مغفیان دستگیر کردند تا گنبن بقیه در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی که در پی بحران فزاینده اقتصادی، از با سگوشی به خواسته های شوه کارگران و متکشان در مانده است، با تمام قوا تلاش میکند با بحران را بردوش کارگران بگذارد از این رو این رژیم برای تامین منافع سرما به داران پیش از پیش دست به تعطیل کارخانجات و اخراج کارگران زده است و هر دم بر میزان بیکاری و آوارگی و بی خانمانی کارکنان می افزاید این رژیم که از یک سو صنایع فولاد اهواز را تعطیل می کند و هزاران کارگر را بیکار می گرداند و این در حالی است که کمرب کارکنان در زیر گران و تورم و وحشتناک خمشه است از سوی دیگر برای ادامه مشارکت خود در انحصارات امپریالیستی کروب به فریب متوسل می شود و ادامه شرکت در کارخانجات فولاد کروب را جهت جلوگیری از اخراج کارکنان این موسسه قلمداد می کند. اما واقعیت این است که رژیم جمهوری برای ادامه مشارکت در کارخانجات فولاد کروب مجبور شده است صنایع فولاد اهواز را به تعطیل بکشد.

مبارزات کارکنان صنایع فولاد که جهت جلوگیری از تعطیل این مجتمع زمدتها قبل ادامه داشت بنا اعلام تعطیل این مجتمع اوج تازهای گرفت. کارکنان برای ادامه مبارزه بیکبر و مستمزم خود دست به تشکیل شورش بنام "هیئت منتخب کارکنان مجتمع فولاد اهواز و شرکت های تابع و وابسته زنده شورا در نخستین اطلاعیه خود همه کارکنان را به مبارزه جهت تحقق خواستهای زیر فرا خواند
۱- جلوگیری از تعطیل شدن مجتمع و پیمانکارهای وابسته

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



اخباری از انجمن های...

بقیه از صفحه ۳

به کارخانه آورده و بعنوان کارگر و کارمند برای خبرچینی به قسمتها فرستاده اند. اما کارگران که به ما هیت انجمن اسلامی پی برده اند از این افراد دکناره میگیرند و به آنها به چشم جاسوس نگاه میکنند.

در کارخانه اسکوشین اطلاعیه ای صادر شده که کارگران حق هیچگونه بحث سیاسی در کارخانه ندارند و در اطلاعیه ای برای شناسائی کارگران مبارز و آگاه کتبخواسته شده.

در کارخانه مینوا اطلاعیه ای از طرف انجمن اسلامی صادر شده که نیروهای سیاسی حق ندارند در کارخانه اعلامیه پخش کنند هیچگونه بحث سیاسی نباید در کارخانه صورت گیرد و سرپرستها در این موارد باید شدیداً جلوی کارگران را بگیرند و نمایندگان کارگران به این اطلاعیه اعتراض کرده و اعلام کرده اند که انجمن اسلامی حق هیچگونه مداخله در امور کارخانه را ندارد.

در شرکت واحد انجمنهای اسلامی نیروی خود را روی کوبیدن شورا های مترقی تعمیرگاه و اخراج نمایندگان مترقی آن گذاشته اند آنها به بهانه کمونیست و غیر مسلمان بودن نمایندگان قصد دارند ابتدا نمایندگان مترقی شوراها را اخراج کنند و سپس شوراها را از بین ببرند. در مجمع عمومی که هفته گذشته در تعمیرگاه ۴ تشکیل شده بود. بدنبال سعی انجمن اسلامی در مخالفت در مسائل کارگران، کارگران اعلام کردند که انجمن اسلامی حق مداخله در امور کارگران را نداشته و آنها فقط شورا را به رسمیت می شناسند.

در کارخانه ایران ناسیونال به دنبال تخمین حدود ۷۰۰ نفر از کارگران که تحت عنوان ۵ درصدی اخراج شده بودند اعلام شد تعدادی از این کارگران که در امتحان کتبی و سپس شفاهی ایدئولوژیک شرکت کرده و قبول شده اند نمیتوانند دوباره به کارخانه برگردند البته امتحان کننده انجمن اسلامی است.

به این ترتیب سیاستهای انجمنهای اسلامی بدنبال سیاست حزب جمهوری اسلامی در شرایط کنونی یورش جدیدی برای محو کلیه حقوق دموکراتیک کارگران است. هدف انجمن های اسلامی ایجاد انجمنان جوی در کارخانهها است که هیچ کاری جز اتلاف وقت و خواستهای برحق خود، افتاء سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و فقر و بدبختی و بیگاری و گراشی را پیدا نکنند. اما در شرایطی که توده های زحمتکش مردم به ما هیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی عملیاتش پی برده اند، در شرایطی که هر روز همه نفر در راه مبارزه با سیاست سرکوب حزب جمهوری شهید میشوند انجمنهای اسلامی آرزوی ایجاد خفقان را بگورخواهند برد. کارگران و زحمتکشان حزب جمهوری و انجمنهای اصلاحی را نیز همچون رژیم مزدور شاه به گورخواهند برد. کارگران پیشرو مبارزه بر علیه سرکوب و اختناق مبارزه برای آزادیهای سیاسی تشکیل شورا های انقلابی و بطور کلی مبارزه برای خواستهای دموکراتیک بدون کارخانه ها بطور برجسته ای با انجمنهای اسلامی روبه روی کرده است. با تمام قوا برای برچیدن این کانونها، از کارخانجات بها خیزید!

نا بود با انجمنهای اسلامی زنده باد شوراها و انقلابی!

حمله مزدوران...

بقیه از صفحه ۳

روان شدند اما در پالایشگاه اعلام شد که در روز تعطیل است. مجدداً کارکنان برای بازگشت به منازلشان آماده می شدند که خنونت شدت بیشتری گرفت راه های خروجی با رکیک بسته شد. اتوبوسها و سرویسها مورد با زرسی قرار می گرفت. صدای بگویی و بلند پای سداران و انجمنی ها همه جا شنیده می شد. سرویس ها را متوقف کنید. همه جا را بگردید. اجازه ندهید کسی خارج شود. و این ماجرا با لایحه با دستگیری عده ای متجاوزان و افراد کارکنان پالایشگاه مسوقتا "خاتمه یافت. حرکتها سداران مسلح و انجمنهای پالایشگاه در پالایشگاه مقابل در پالایشگاه تهران پس از بسیاری از کارکنان این پالایشگاه با داد و در روزی بود که نظامیان شاه در ۱۷ شهریور به چادرها می که در مقابل در پالایشگاه برپا شده بود حمله کردند. در آنروز نیز کارکنان مبارز پالایشگاه تهران بعنوان اعتراض به رژیم شاه در پالایشگاه پالایشگاه اقدام به برپائی چادرها می کرده بودند که مورد هجوم وحشیانه مزدوران رژیم سابق قرار گرفت. اما این بار حمله به کارکنان هدفش علاوه بر ایجاد محیط رعب و وحشت دستگیری نمایندگان شورا های پالایشگاه نیز بود.

ما به کلیه کارکنان مبارز و انقلابی صنعت نفت هشدار می دهیم که تنها مقاومت سرخستانه، متحد و یکپارچه نمیتواند خطراتی را که جنبش کارگری، شوراها و سپیژه شورا ای صنعت نفت را تهدید میکند بر طرف نموده و امکان استقرار مجدد دیکتاتوری را در جامعه و در محیط های کارگری بر طرف سازد. از اینروست که میگوئیم همه کارکنان مبارز صنعت نفت باید حتماً با شوراها و انقلابی خود، با مقاومت در مقابل سیاست های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، از دست آورد های انقلاب دفاع نموده و با سادار آزادی همسای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده های کارگران و زحمتکشان باشند.

گویا ایدئولوژی اسلامی را فقط برای مشارکت در انحصارات امپریالیستی جابزمی شمارند این اعمال جزیبیان آشکار همدستی این رژیم با امپریالیستها نیست کارگران میهن امروز دیگر فریب دغل کاریهای رژیم جمهوری اسلامی را نمی خورند و مبارزه برای وراثتی خود از سلطه امپریالیسم و کاروسمن، آزادی - ادامه می دهند و در این مبارزه دوشادوش تمام کارگران جهان برای بنای جامعه ای فارغ از بهره کشی انسان از انسان به پیش می روند.

تعطیل و اخراج کارگران صنایع فولاد اهواز...

بقیه از صفحه ۳

عده ای از کارگران آزاد شده و تعدادی از نمایندگان کارگران هنوز در اسارت بصری برده و از سر نوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

آری رژیم جمهوری اسلامی که در مقابل خواستهای حق طلبانه توده کارگران خود را نتوان یافته است به چاره ای جز توسل به سرکوب کارگران نمی بیند رژیم جمهوری اسلامی که قرار داد اسارت با خود را با کارخانجات فولاد کربوب آلمان هنوز ادامه می دهد بهای ورزشکشی این انحصارات امپریالیستی را از جیب توده کارگران و زحمتکشان ایران می برد و از شرکت در این انحصارات امپریالیستی را جهت نفوذ ایدئولوژی اسلامی در جمهوری فدرال آلمان می داند و آقای

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



از اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و نشریات
کارگران پیشرو

اعلامیه‌های فوق حدوداً و آخرخ - مرداد و اوایل تیرماه منتشر شده‌اند.

قروبین

عنوان اعلامیه‌ای که کارگران پیشرو قزوین منتشر نموده‌اند "تظاهرات انقلابی کارگران توسط رژیم جمهوری اسلامی بخون کشیده شد." میباید در این اعلامیه پس از شرح مبارزات کارگران سرکوب و حبس‌ناتان توسط پلداران سرمایه، خواسته‌ها و وظایف کارگران را بدین شرح اعلام میدارند:

- ۱- آزادی بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده.
- ۲- برکناری طاهران و محاکمه عاملین کشتار کارگران در دادگاه‌های با حضور نمایندگان واقعی کارگران

۳- دخالت نکردن سپاه پاسداران در امور کارخانجات "و در ادامه مینویسند تسلیم است که مبارزات کارگران برای دستیابی به خواسته‌های فوق تنها زمانی میسر است که مبارزات کارگران همه‌کارخانجات با یکدیگر و تحت رهبری واحدی پیش برده شود و این تنها از طریق انتخاب یک نماینده از هر کارخانه توسط شورا‌های انقلابی و خودکارگران امکان پذیر است. این نمایندگان باید در یک اتحاد شورایی کارخانجات شهر صنعتی، مبارزات کارگران را برای خواسته‌های حق طلبانه اشان رهبری نمایند و تا رسیدن به خواسته‌ها نشان نرسد کارگران را با اعلام اعتبار نمایند.

گچساران

هواداران سازمان در گچساران اعلامیه‌ای تحت عنوان "دوروز تعطیل و ۴ ساعت کار در هفته حق مسلم کارگران است" منتشر نموده‌اند. در بخش‌هایی از این اعلامیه چنین آمده است: "کارگران مبارز گچساران از روز پنجشنبه ۲۱/۳/۶۰ گروهی از کارگران قسمتهای پازنان، مستقالات، تعمیرات هوس کپیینگ، کارخانه خط لوله و... منطقه گچساران شرکت نفت به علت اعتراض به پنجشنبه‌کاری سرکار حاضر نشدند. بدنبال اقدامات ضد کارگری مدیریت منطقه (نیکروش برا در نیک بی شهردار تهران) و انجمن اسلامی پیرو سیاست دانشمندان انقلابی حزب جمهوری (مثلاً هاشم پور بهمانکارنگهبان) در جهت تهدید و جریمه نمودن کارگران مبارز، تحمیل کوتاه مدتی با حضور قسمتی از کارگران در سالن ورودی ساختمان مرکزی شرکت نفت صورت گرفت... کارگران مبارز گچساران در مبارزات خویش برای کسب خواسته‌های برحق و رفاهی و سیاسی با ایدلاقل از تجربیات ۲۸ ماهه اخیرشان بهره گرفته و بداند که با نامه نوشتن، جمع‌آوری طومار، تلگراف زدن، مراجعه به افراد و ارگانهای دولتی، دردی از آنها دوا نخواهد شد... بنابراین با یک مبارزات خود را برای تشکیل یک شورای واقعی با تشکیل مجمع عمومی کارگران برای انتخاب نمایندگان واقعی و انقلابی خویش و افشاء و طرد مدیریت، سرپرستان، انجمن اسلامی و نیروهای سرسپرده و سازشکار رتوده‌ای - جناح راست اکثریت اتحاد خویش را مستحکم نموده و مبارزات خود را ادامه دهند.

نفت

کارگران پیشرو صنعت نفت در رابطه با زندانی شدن (عبدالامیر سرور ناصری و هادی اسدی حبس ابند، عبدالرسول بدیع مهاوی و محمد حسینی ده سال، حمید رحیمی پنج سال و شیخ زاده، مهمان دوست، شاهپری و صبی که تاکنون وضع آنها مشخص نشده است) و اخراج نمایندگان و همکارانشان تراکتی منتشر نموده‌اند. متن این تراکت بدین شرح است: "رژیم جمهوری اسلامی ایران مدت زیادی است که نمایندگان چنگزدگان صنعت نفت را به زندان انداخته است. نمایندگان

شورای جزیره لاون را از کارکنان کرده است. نمایندگان و عناصر انقلابی پالایشگاه شیراز را با مطلع پاکسازی کرده است. و از این طریق سیاست‌های فدک‌رگری و فساد موقرا تنگ خود را نشان داده است. کارگران مبارز صنعت نفت با مبارزه بی‌خوف آزادی زندانیان صنعت نفت، بازگشت نمایندگان شورای لاون بسرکار، بازگشت کارکنان مبارز پالایشگاه شیراز و غنشی کردن فعالیت‌هایی که برای درهم کوبیدن شوراها صورت می‌گیرد. اجازه ندهیم سیاست سرکوب و غفلان جمهوری اسلامی در محیط‌های کارگری به اجرا آید.

ساری

"مبارزه متحد برای تشکیل شورای انقلابی فامین پیروزی کارگران است" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو راه و ترابری منتشر نموده‌اند. در قسمتهای از این اعلامیه چنین آمده است: "مبارزات کارگران مبارز ما این آلات راه و ترابری (ری) از مدت‌ها قبل برای دریافت حقوق عقب افتاده و حقوق ما مورث که بخشی از دستمزدشان بوده، ادامه داشته. اما مدیرکل (طلوای) با فریب و نیرنگ از پرداخت حقوق حقه کارگران شانه خالی میکند... روز سه

شنبه ۱۹/۳/۶۰ اعتبار متحد و یکپارچه کارگران شکل می‌گیرد... مدیر ما شین آلات (میر) کارگران راه و ترابری که در دعوت میکند، او میکوشد با وعده و وعده‌های دروغین همچنان حقوق ابتدائی کارگران را با مال کند... اعتبار کارگران "ماشین آلات" قدرت اتحاد کارگران را نشان داده و تنها تشکیل حمایت ما از این مبارزات است که مدیران و دولت حامی آنان راه عقب نشینی و ادراغوا هداخت، یکپارچه پیگیری مبارزه برای تحقق خواسته‌هایمان را با تشکیل شورا‌های انقلابی ادامه دهیم"

جم‌اقداری شاهنشاهی و

جم‌اقداری جمهوری اسلامی

"جم‌اقداری شاهنشاهی و جم‌اقداری جمهوری اسلامی" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو هم‌تساز می‌نشر نموده‌اند. در قسمتهای از این اعلامیه چنین آمده است: "همه ما آخرین روزهای عمر تنگین رژیم منحوس شاهنشاهی را بیا داریم... در کارخانه‌ها می‌نویسند عنایر خود فروخته عده‌ای از کارگران ناآگاه را به‌خیا با آنها کشف شده تا به نفع رژیم شاه به سرکوب مردم بپردازند... حزب جمهوری اسلامی نیز بهمان شیوه‌های کهن متوسل

گردیده و دست‌های چماقدار را به‌جای مردم انداخته است. در کارخانه‌ها نیز کانون اسلامی این کارگان سرکوب و توطئه و جاسوسی با کمک پادشاهی نظیر... عده‌ای از کارگران ناآگاه را برای سرکوب توده‌ها و نیروها انقلابی به‌خیا با آنها می‌کشد... اما توده‌ها با کت نخواهند نشست تاریخ بیا موزیم رود زروی توده‌ها قرار نگیریم. با طرد کانون اسلامی و با شرکت در تظاهرات نیروهای انقلابی بر علیه سیاست سرکوب و اختناق حزب جمهوری اسلامی به‌خیا با نبودن انجمن‌های اسلامی این ارگان‌های سرکوب و غفلان وابسته به حزب جمهوری اسلامی

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود



تلاش رژیم ایجاد جو خفقان در مناطق مختلف

شراسم شب هفت سه شهیدی که در هجوم به مردم قرچک ورامین و سرکوب مبارزات آنها توسط مزدوران رژیم به شهادت رسیده بودند از طرف ما سوران کمیته بهم خورده درپوروش پاسداران به مردم قرچک در روز بیست و هفتم خرداد سه تن از اهالی آنها و گروهی دیگر روز سوم خانواده های آنها برای مراسم شب هفت عیازم بهشت زهرا می شوند که راه برای توبوسهای حامل شرکت کنندگان در مراسم توسط کمیته چی ها بسته میشود. ما موران کمیته با تهدید و ارباب توبوس ها را به قرچک بازمی گردانند. این حرکت خشم تو دهها را افزون تر ساخته است.

در حال حاضر جو پلیسی و اختناق به قرچک حاکم است. تیروهای آگاه و مبارزان مورد حمله و هجوم قرار گرفته و دستگیر می شوند.

جوفشار و اختناق و تعقیب علاوه بر قرچک بر مناطقی مثل شهرری و دولت آباد نیز حاکم است. در این مناطق پاسداران و کمیته چی ها با گشت های مداوم خود با تعقیب نیروهای مبارزان مردم آزاد بخواند. سعی دارند مردم را از شرکت در هرگونه حرکت مبارزاتی باز دارند اما توده ها با گسترش روزافزون دامنه مبارزات خود مشت محکمی بر دهان این گوردلان مرتجع میکوبند. گذشته از فشار پلیسی مزدوران رژیم در نقاطی که ذکر شد، دولت و

ارکان های سرکوب آن در شهرهای کوچک و بزرگ مبهمان سعی می کنند. رگود و خفقان را بر توده های مبارزان تحمیل کنند. آنها در این راه از هیچ عمل رویگردان نیستند از تعقیب و گشتن ماشین ها و خانهای مردم تنها دستگیری و شکنجه و اعدام های گروهی بدون معاکمه، به هرکاری دست میزنند تا شاخه بدینوا چند صد ساحتی بیشتر در مسند قدرت بمانند. سیاست فشار و سرکوب از راه های گوناگون اعمال میشود و گشت های غیابانی یکی از مذبوحانه ترین انواع آن است. در هفته گذشته در چند نقطه تهران زنان و مردان حزب اللهی و پاسداران اقدام به گشتن کیف، کتبی و ماشین های عابریین کرده اند از جمله بعد از ظهر چهارشنبه سوم تیر در میدان فلسطین و پنجشنبه چهارم تیر در چهارراه معدق، دست به تفتیش مردم زده اند. در هفته اول تیر غیابان نصرت منتهی به میدان توحید - رابسته اند و تمام اتومبیل ها را گشته اند.

روز هفتم تیر عابریین میدان انقلاب مورد تفتیش و گشت مزدوران رژیم قرار گرفته اند و اخیراً "مزدوران رژیم برای این اعمال و نیز شناسایی میانین از دختران فالانژ که برای این قبیل کارها دوره های مخصوص دیده اند، استفاده می کنند.

اعلامیه اتحاد ملی زنان در رابطه با شرایط اخیر

اتحاد ملی زنان در رابطه با شرایط کنونی و گشتاروا عدا مهای وحشیانه نیروهای انقلابی در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱ - اعلامیه ای منتشر ساخته اند.

در این اعلامیه ضمن محکوم کردن این جنایات میخوانیم: گشتارهای چند روز اخیر بزرگترین دیگری است بر کارنامه رژیم جمهوری اسلامی. حمله به زندانها و بازداشتگاهها و گشتار وحشیانه جوانان بسویله طلحه گرم و سرد در خیابانها تنها گوشه ای از این جنایات است.

همچنین این اعلامیه ضمن اشاره به زندگی مبارزاتی رفقای چون فدائیان شهید سعید سلطانی و شهید محسن افشاری که سالها با رژیم شاه و امپریالیسم مبارزه می کردند با همه شهدای خلق را که توسط ایادی رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده اند گرامی داشته است.

اتحاد ملی زنان در اعلامیه دیگری با اشاره به حوادث روزهای اوایل خرداد ماه نقش رژیم جمهوری را در سرکوب جنبش توده ها توسط ایادی چماق دار و پاسداران سرمایه افشاء نموده و با اشاره به شکنجه و گشتار و اعدام زنان و دختران مبارز خطاب به مردم مبارز می گوید:

"نسبت به فجایعی که رخ میدهد هشیا و روفرت و انزجار خود را نسبت به این پشویه های فدا نسانی ابراز کنید."

حمله به خانواده زندانیان در جلوزندان اوین

شدگان و نیز زندانیان را که اکثرشان زن بودند، خواند. چند نفری که دیرتر رسیده بودند خواستند اما می راد دوباره بخواند اما پاسدار توجیه نکرد. در این میان خانواده ها شروع به اعتراض کردند و به در زدن هجوم بردند. از آنطرف هم شلیک گلوله های آمریکایی هم به هوا و هم بروی مردم گشوده شد، گاز اشک آور پرتاب شد و شیرهای آب با فشار بروی مردم آب می پاشیدند. پاسداران ضد خلقی با این حرکات و با ایجاد جو وحشت، خانواده ها را تا جلو هتل اوین "بدرقه" کردند و این مردم که "بجرم داشتن فرزندان مبارزان انقلابی چنین مورد ضرب و شتم و حمله پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند، بدون اطلاع از فرزندان شان و بدون دیدن آنها روانه خانه هایشان شدند. اعلام تعطیل شدن زندان اوین و قطع ملاقات های زندانیان، همیشه در رابطه با همین جریان بوده است.

خانواده زندانیان اوین که روز ششم تیر ماه برای ملاقات و خبر گرفتن از حال فرزندان خود به جلو در زندان سه ساعتی رفتند و رفتند و در آنجا تیراندازی، گاز اشک آور و فنداق تفنگ و فحش و ضرب و شتم پاسداران سرمایه رویرو شدند، چند نفر زخمی و چند نفر نیز دستگیر شدند.

تعداد این افراد بین پانصد تا شصت نفر بود. فرزندان و نزدیکان آنها عمدتاً در رابطه با جریانات اخیر دستگیر و بیادید شده بودند و هرگز خانواده ای پس از روزها تلاش و جستجو در کمیته ها و زندانهای دیگر، به گشتارگاه اوین رسیده بود. در بزرگ زندان مرتباً زوبسته می شد و اتومبیلهای حامل پاسداران زن و پوزندان نیز تازه رفت و آمد می کردند. جمعیت جلو با چه اطلاعات مف طویلی تشکیل داده بود یک پاسدار آنها را به محوطه باز جلسو زندان دعوت کرد. مردم بعد از مدتسی مقاومت، با غرولند و با راجاتی جلو پاسدار جمع شدند. پاسدارا سعی آزاد

پاسداران، دختری را از اتاق عمل برای اعدام بردند

در یکی از روزهای آخر خرداد ماه دختری را که یک چشمش تیر خورده بود برای معالجه به بیمارستان میبرند. این دختر در خیابان مشغول فروتنی تیریه بیگانه بوده است که مورد حمله پاسداران قرار میگردد. پاسداران دختر را اودار کرده بودند و بگویند بکنفرمیخواسته بمن تاجا و زکند مرا با این روزانداخته است. پاسداران در بیمارستان میخواهند وارد اتاق عمل بشوند که پزشکان مانع شده و می گویند باید خارج اتاق با بستید، درگیری بین پاسداران و پزشکان و پرستاران در می گیرد. دکترها تنها فریب بودند پاسدارها را به اتاق عمل راه بدهند و به مرفیسی را تحویل بدهند. با لجره چنگند پاسدارها حکم دادستانی مبنی بر اینکه این دختر محکوم به اعدام است به بیمارستان می آیند، او را از زیر دست پزشکان خارج کرده و با خود میبرند.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بودجه ۶۰، گامهای بلند مسوولان امریالیسم (۱) جمهوری اسلامی ایران (از دیدگاه چریکهای فدائی)

غول بوروکراسی در خدمت امریالیسم

در زمینه هزینه های جاری، بهمنی هزینه های ارتقا بخشای سرکوبگر حکومت (اعمال نظامی و اداری) رژیم با "بناچار" عهده دار مراقبت از غول بوروکراسی - نظامی شاهنشاهی، که به "ارث رسیده است" می باشد. و الحق که در این راه با تمام توان نه تنها در بازسازی آن کوشش میکند بلکه با افزایش هزینه های نظامی و اداری در عظیم تر کردن آن نیز میکوشد. هزینه های جاری سال ۶۰ مبلغ ۲۰۵ میلیارد تومان برآورد شده که ۳۱ درصد از عملکرد هزینه های جاری سال ۵۹ بالاتر است. لازم است این نکته را متذکر شویم که این افزایش هزینه های جاری در حالی پیش بینی شده که دیشمزد کارگران و حقوق کارمندان در سال جاری ثابت فرض شده. و اگر دقیقتر بگوئیم، مستزدها و حقوق های واقعی با توجه به نرخ رشد یافته تورم شدت کاهش یافته است. پس این افزایش هزینه های جاری از کجا ناشی میشود؟

دولت برای حفظ و بازسازی نظام احتیاج به یک دستگاه بوروکراسی - نظامی سرپرستان دارد. پس از قیام بهمن ماه، کارمندان و نظامیان رده های پایین همگام با توده های مردم با تشکیل شوراها در همت افغان گردن سیستم گذشته و از کارانه اخذ دستگاه بوروکراسی و نظامی که در خدمت سرما به داران و امیربالیستها قرار داشت، به پیش رفتند. اما در این جا نیز حکومت با پورش به شوراها و سرکوب آنها غول بوروکراسی را تحت مراقبت خود درآورد. رژیم مزورانه تحت عنوان "مبارزه با غول بوروکراسی" به تطفلیه منا سر مترقی پرداخت و با جا بگزین کردن - عناصر "مکتبی" بجای تطفلیه شدگان - به بازسازی دستگاه بوروکراسی تک مطیع همت گماشت. بنا بر این از این نقطه نظر هزینه های جاری که حکومت وعده کاهش آنرا داده بود، همچنان بهمان میزان - قبلی باقی ماند. اما حکومت به اطمینان مقدار نیز بسنده نکرد و با ایجاد نهاد های بوروکراسی و سرکوبگر جدید، همچون سپاه پاسداران، کمیته ها و انوا مختلف بنیادها، در کنار رژیم وزارت دستگاه های سابق که همین وظایف را ایفا نموده داشتند، هزینه های جاری را بیشتر افزایش داد. در همین حال، افزایش هزینه های جاری امسال با سال ۵۹ ابتدا قابل مقایسه نیست. رژیم برای استقرار "قانون" در سال ۶۰ یعنی برای تثبیت حاکمیت خلقی خود، پیش از پیش نیاز به ایجاد جواز اختیاق و سرکوب آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراسی تک توده ها دارد. رژیم

ایران را بیشتر به اقتصاد تک معمولی یعنی فروش نفت سوق داده و چگونه از درآمدهای حاصل از نفت جیب سرما به - داران و بویژه تجار را پر میکند. و باز دیدیم که سیستم درآمد های مالیاتی را چگونه به زیان کارگران و کارمندان جز و بیفیع سرما به داران بکار گرفته است. در آنجا هم استدلال این بود که "ناچاریم" این ارزشه تنگنکن رژیم شاهنشاهی است. در قسمت هزینه ها، امم از صیرانی و جاری سیاست حکومت باز "بناچار" همان است، یعنی تنگنایی از "ارثه تنگنکن شاهنشاهی" بیش از ۹۰ درصد از کل بودجه عمرانی سال جاری، به ادا مد و تکمیل پروژه های اختصاصی یافته که در برنا ماه پنجم رژیم سابق پیش بینی شده بود. بر جاتی و دیگر سران رژیم پنهان نمیکنند که برنامه های ما ادا میماند برنا ماه های پنجم رژیم گذشته است و در حقیقت ما مجری برنا ماه پنجم رژیم گذشته هستیم" (میزان ۳/۱۰ - ۶۰). جالب اینجاست که سران حکومتی خود اذعان می کنند که برنا ماه بریزان رژیم گذشته "تنها چیزی است که دستورات و برنا ماه های تعیین شده توسط کارشناسان آمریکا - طی بوده اند" (جمهوری اسلامی ۲/۲۶/۶۰) و حال رژیم جمهوری اسلامی تحت لواء - "مرگ بر آمریکا"، دستورات و برنا ماه های تعیین شده توسط کارشناسان آمریکا طی را به پیش می برد و به مرمت "ارثه تنگنکن گذشته می پردازد. ضمناً که غریبی است میان رزات "فدا مریبالیستی" حکومت ا - هیات حاکمه هر قدر که به امیربالیستها نزدیکتر میشود، بیشتر به آنها فحش میدهد از اینرود رسال ۶۰ با بددرا انتظار شمار - هائی کوبنده تر (ا) فدا مریبالیستی از طرف حکومت برود.

بهر حال، حکومت "بناچار" مجری برنا ماه های رژیم گذشته و از آنجمله - استام برنا ماه پنجم می باشد. یعنی باز سازی نظامی که توده ها با قیام خود به آن ضربه زدند و قصد توده ای آنرا دارند. ادامه برنا ماه های رژیم گذشته بهمنی ترمیم موقعیت ایران در تقسیم کار جهانی امیربالیستی که با فروش نفت، ایجاد شرایط مساعد جهت صدور سرما به های مولد (مونتاژ) و گسترش بازار برای کالا - های امیربالیستی مشخص میشود. قبلاً دیدیم که رژیم چگونه در جهت فروش اگاسی نفت و وروژه کالاهای امیربالیستی تحت عنوان تأمین درآمد ها (البته بناچار) چهار رنعل به پیش میرود. و در اینجا نیز حکومت با تعدید قراردادها شرکت های امیربالیستی نظیر مژده، ژانلیوت، جنرال موتورز، شرکت های پتروشیمی ژاپنی و غیره، در جهت پذیرائی از سرما به های "جنسی" و ایجاد شرایط مساعد برای آنها با نرخ سود فوق العاده تحت عنوان دروغین "اجرای طرحهای اشتغال زا" به پیش میرود.

بقیه از صفحه ۱
بر اساس لایحه بودجه سال ۶۰، کل هزینه های دولت بالغ بر ۳۳۰ میلیارد تومان برآورد شده است که عمدتاً به دو بخش هزینه های جاری (مانند پرداخت حقوق، اجاره و کلا هزینه های نظامی و اداری) و هزینه های عمرانی (مانند ساختن راه، پل، سد، کارخانجات) تقسیم می شود. در بودجه ۶۰ مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان به هزینه های عمرانی ۲۰۵ - میلیارد تومان به هزینه های جاری - اختصاص داده شده است. البته باید متذکر شد که این نوع تقسیم بندی بصورتی است که میتوان بسیاری از اقلام که جزو هزینه های جاری است به هزینه های عمرانی منتقل کرد و به این ترتیب بودجه عمرانی را بیش از آنچه که هست نشان داد. رژیم شاه برای عوام فریبی و نشان دادن این موضوع که سخت مشغول عمران و آبادی کشور است، با متورم کردن صوری بخش هزینه های عمرانی و تنجیناً کاهش صوری هزینه های جاری، این شیوه بودجه نویسی را دنبال میکرد. این امر را میتوان در مورد بودجه ۶۰ نیز پی گیری کرد و نشان داد که هزینه های عمرانی بیشتر از آنچه هست برآورد شده است. لیکن بودجه ۶۰ - هر کلیت خود چنان افتتاح آزمایش است که میتوان بر راحتی از این نوع تقلیب کاری های بودجه نویسی گذشت و بررسی هزینه را بهمان ترتیبی که در لایحه بودجه پیش بینی شده، دنبال کرد.

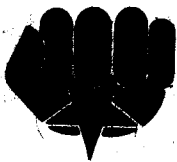
در حقیقت فضا تحت بودجه ۶۰ در تشدید وابستگی و فلاکت زحمتکشان چنان اظهار من الشمس است که دولت مردان جمهوری - اسلامی بناچار به اعتراف این می باشند. لیکن اعتراف هیئت حاکمه نه بر اصدافت در بیان کمبودها بمنظور مرتفع نمودن آنها و بهمان واقعیات به توده ها صورت نمیکرد، بلکه اعتراف آنها اعترافی مزورانه برای فریب توده ها، ساخت کردن آنها و پنهان داشتن سیاست های ضد خلقی خود می باشد که در تداوم سیاستهای رژیم شاهنشاهی قرار دارد. هیات حاکمه در توجیه بودجه ۶۰ و هزینه های آن میگوید: "این ارثی است که از رژیم شاهنشاهی بنا رسیده، ما ناچار به قبول اکثر این هزینه ها هستیم"، "ما راه دیگری نداریم". در همین زمینه رجائی میگوید: "فرمان بودجه طغی است یعنی اگر انقلاب نشده بود همین بودجه میرفت... ما الان اجباراً درآمدها را به طرحهایی که در دوره طاغوت ریخته شده" (کیهان ۲/۲۶/۶۰) و بلاخره می بینیم که استدلال میکنند که بگنجه نمیتوان اوضاع را تغییر داد و برای تدوین بودجه ای - "اسلامی" ابتدا باید شرایط لازم فراهم شود. رژیم با این بهانه یک شبه نمیتوان اوضاع را تغییر داد، به بازسازی نظام سرما به داری (البته بشیوه ای "مکتبی") - میپردازد. در قسمت درآمد ها دیدیم که چگونه رژیم سال به سال اقتصاد دور شکسته



بودجه ۶۰ کلمهای بلندگوی امپریالیست

دستگیری های وسیع در سنقر کلیائی

پس از شبه خونین سیام خرداد دو تظاهرات خشم آمیز آن در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر میهنمان، ما موران رژیم در سنقر کلیائی نیز دست به شیوه های پلیسی ارمباب و تعقیب و دستگیری زدند و در فاصله چند روز، چهل و هشت نفر از نیروهای مبارز سنقر را دستگیر کردند. در میان دستگیر شدگان شش هوا دار اکتیویته نیز وجود داشته اند که بعد از چند ساعت است آزاد شده اند. بیشتر دستگیر شده گان را بسته زندانهای بندر عباس و تبریز جاسان انتقال داده اند.



حزب و درک واقعیات، موقعیت حزب را پیش از پیش متزلزل ساخته است. بدین بنا طرز حزب برای اعمال سرکوب متمرکز مبارزات توده ها و سلب هرگونه آزادی به قدرتی متمرکز گزینستگا های دولتی نیاز دارد. تدوین تبصره های بودجه ۶۰ در حقیقت گامی است برای کسب قدرت مطلق. تبصره های بودجه چنان تنظیم شده که اختیارات تامی به مجریان حکومتی واگذار می کنند تا به صورت که بخواهند بدون هیچگونه حساب و کتابی خرج کنند. بر اساس این تبصره ها به وزرا و استان - داران اختیار ۲۰ درصد اجزای اقلام و ۲۵ الی ۲۵ درصد اجازة خرج بدون پیروی از قانون محاسبات عمومی داده شده است. بدین ترتیب علاوه بر بودجه های سری که در اختیار مجریان حکومتی می باشد بمیزان ۴۰ تا ۴۵ درصد از کل هزینه ها نیز در اختیار آنها قرار گرفته است. سرپرست سازمان برنا مه و بودجه در توجیه این سیاست میگوید: "چون پولها توسط افراد مؤمن و امین انقلاب به مصرف میرسد مسئولیت شرعی بجای مقررات قرار میگیرد" (کیهان ۶۰/۲/۱۶). البته نمونه روشنی از این شیوه عرضه را در بنیاد - مستضعفان تجربه کرده ایم و عملکردهای مفتضحانه آن راهم بیاد داریم.

بهر حال این سیاست حزب چندان هم بی دلیل نیست. با بددست زعمای قوم را در پیشبرد سیاستهای حزب در زمینه زمینها از جمله سرکوب توده ها که هزینه بر میدارد، با زکداشت، مغایر از سازماندهی باندهای سپاه حزب الهی چیزی نیست که بشود آن را بطور صریح در بودجه منعکس نمود و تحت قانون محاسبات عمومی در آورد.

می ایستد و حتی از اجرای اطلاعات ارضی نیم بند خود، یعنی اجرای بند "ج" و "د" از قانون واگذاری زمین نیز شانه خالی میکند. این نمونه اطلاعات و کمک به "مستضعفین" را به این دلیل بیان کردیم که هیات حاکمه حول پرداخت ۳۰۰ تومان در ماه به کثا و ورزان بالاتر از ۶۰ سال بسیار سروصدا راه انداخت، و آنرا بعنوان دستاوردی بزرگ و انسانی تبلیغ کرد. حال ببینید بقیه اطلاعات و امتیازات رژیم که در بودجه ۶۰ وعده آنها داده شده است چقدر عمو مغربینانه و گادب می باشد.

آنچه که در مورد میزان هزینه ها عنوان شد، بر اساس داده های بودجه ۶۰ می باشد. اما همینطور که در قسمت درآمد ها دیدیم که ارقام بودجه با واقعیات - اقتضای وظایف نداشتند و در درآمد های وصولی بسیار کمتر از درآمد های پیش بینی شده خواهد بود، در قسمت هزینه ها نیز ارقام ارائه شده با آنچه واقعا - انجام خواهد پذیرفت منطبق نیست. در مورد هزینه های عمرانی، مهندس سعابی میگوید که بیش از ۶۰ درصد بودجه عمرانی قابل هزینه شدن نیست. یعنی با توجه به بحران موجود اقتضای، ظرفیت جذب این مقدار هزینه های عمرانی موجود نمی باشد. برعکس، در مورد هزینه های نظامی و بیروگرایی تنها بدلتلی که فوق مطرح شد، با ارقامی بالاتر از آنچه که در بودجه پیش بینی شده، روبرو خواهیم بود. عملکرد هزینه های دولت در ماه اول سال جاری در این مسیر قرار دارد. هزینه های جاری فروردین ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل ۸۵/۷ درصد افزایش نشان میدهد و در مورد اردیبهشت ماه ۴۹ درصد.

به این ترتیب در عملکرد بودجه ۶۰ شاهد شکافی گسترش یافته بین درآمد ها و هزینه ها خواهیم بود، یعنی در حالی که درآمد ها بمیزانی کمتر و وصول میشود، هزینه ها از حد آنچه که پیش بینی شده فزونی خواهد گرفت، که این امر نشانده کسری عظیم بودجه در سال ۶۰ خواهد بود.

تبصره های بودجه یا اجازه نامه رسمی قدر قدرتی حزب جمهوری اسلامی

خلاصه کلام آنکه بودجه ۶۰ با زتابسی است از سیاستهای حزب حاکم در سال ۶۰. حزب در جهت بازسازی نظام سرمایه داری از یکطرف هر چه بیشتر به امپریالیستها نزدیک میشود و از طرف دیگر به تشدید سرکوب و ایجاد خفقان می پردازد. با این وجود حزب در تنگنا قرار دارد. شکسته شدن توهم توده ها نسبت به شعارهای توخالی

بقیه از صفحه ۷
برای نزدیکی بیشتر با امپریالیستها برای عقد قرارداد با شرکتهای امپریالیستی برای ایجاد شرایطی جهت چپاول خلق به دست استعمارگران چاره ای جز سرکوب توده ها در پیش روی ندارد. یک قسمت از افزایش هزینه های دولت را باید در این رابطه جستجو کرد.

در سال ۶۰ هزینه های ارگانهای - مستقیم سرکوب افزایش نشان میدهد. این افزایش در هزینه های مربوط به ارتش، هوا، هزینه های مربوط به حفظ نظم و امنیت و تقویت پلیس قضائی گاملا - مشهود است. مثلاً در قسمت هزینه های آموزش قضائی در بودجه ۶۰ چنین آمده است که به دلیل استخدام پلیس قضائی و کارآموزان قضائی و نهایتاً به جهت تقویت قوه قضائیه و برقراری امنیت قضائی در کشور بودجه قوه قضائیه ۴۰٪ افزایش یافته است. از ابتدای سال جاری با نمونه های بسیاری از استقرار "قانون" و "برقراری امنیت قضائی در کشور" مواجه بوده ایم. از این قبیل است کشتار روحیان - کارگران شهرک البرز و اعدامهای سبانه اخیر رژیم.

حکومت بمنظور سرکوب عربیان توده ها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بنانه قرارداد و هزینه های بازسازی ارتش و تقویت دیگر ارگانهای سرکوب را از - قوت لایموت توده ها تا مین می کشد. بیوده نیست که هیات حاکمه میگوید: جنگ نعمت است. آری جنگ برای امپریالیستها و متحدان داخلی آنها نعمت و بفرای زحمتگان نکبت است.

اگر چه در سال جاری، رژیم عمدتاً به سیاست سرکوب متوسل شده است، لیکن در کناران سیاستهای عوام فریبانه ای را نیز برای منحرف کردن ذهن توده ها از ماهیت ارتجاعی خود و به انحراف کشاندن و احتمالاً تطبیع اقشاری از مردم را پیش کرده است. به بیان دیگر، حکومت برای بازسازی نظام سرمایه داری و ابعثت اصلاحاتی جزئی و دادن امتیازاتی از - آن جزئی تر را وعده کرده که این خود به - افزایش نسبی هزینه ها منجر شده است. برای مثال، حکومت با تبلیغات گسترده وعده کرده است که به روستائیان که بالاتر از ۶۰ سال دارند، ماهی ۳۰۰ تومان بصورت کمک بزه داخت میکند. حکومت به این وسیله میخواهد خود را طرفدار - دهقانان و نامود کند و آنها را به پشتیبانی خود فراخواند. در حالی که همین حکومت با حمایت قاطع از زمینداران - سرکوب مبارزات دهقانی پرداخته، شورا های دهقانی را سرکوب میکند، و همواره اراضی زمینداران بزرگ را که وسیله دهقانان انجام میشود، "غصب" نموده و با تمام توان در مقابل آنها

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

خمینی چه گفت، خمینی چه کرد؟

آیت الله خمینی از همان ابتدا که پسر اثر شرایط عینی و ذهنی حاکم برجستش خلق توانست بر موج نافرمانی فزاینده خلق سوار شود و عده های بسیاری به مردم داد. توده های خلق تحت فشار اقتصادی گرسنگی، فقر و فلاکت، بی خانمانی و در - مقابل سرکوب، اختناق، کشتار و سانسور به خواستند و خمینی نیز در غیاب رهبری طبقه کارگر به آن دلیل توانست برجستش توده ها سوار گردد و در این آن باقی بماند که در مقابل خواستهای مادی توده ها عده و وعیدهای مناسب را بکار گرفت.

با بررسی مسیر جنبش خلق و سخنان و معاصره های خمینی بخوبی روشن میگردد که مردم نه بخاطر معنایات و اسلام و نه بخاطر نشان دادن روحانیت بر تخت قدرت، بلکه به دنبال خواستهای مشخص مادی قیام کردند. آیت الله خمینی قبل از قیام (و مدتها پس از آن نیز) از جمهوری اسلامی آنچنان به پشت موعودی در ذهن توده ها ترسیم کرد که در آن به تمامی خواستهای مادی آنان پاسخ داده خواهد شد. بهشتی که در آن "کو خشمینان" گناخ نشین و سا حداقل آپارتمان نشین خواهند شد. "مستضعفین" به خواستهایشان خواهند رسید از فقر، گرسنگی، بیکاری، آزار و سرکوب و اختناق و تصور غیری نخواهد بود و... از اینسرو بوده که آیت الله خمینی توانست با استفاده توهمات مذهبی توده ها پایه های رهبری خود را مستحکم گرداند.

اما جمهوری اسلامی در عمل و در دنیای واقعیات چیزی به جز سرکوب و کشتار، گرسنگی و فقر، آوارگی و بی خانمانی، بیکاری و سرگردانی برای خلق به بار نیاورد. هر چند که خمینی و سایر رهبران با زهم کوشیدند به ارائه وعده و وعیدهای خود توهم توده ها را حفظ کنند اما واقعیات روز بروز بیشتر توهمات توده ها را میزداید. واقعیات بیش از پیش خمینی را وادار میکند که به شکل مستقیم و علنی رودر روی توده ها قرار گیرد.

بررسی شیوه های برخورد آیت الله خمینی در قبال و بعد از قیام خلق بسطه خواستهای توده ها بیش از پیش به روشن شدن ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد. با دیدن نظر داشت که آیت الله خمینی در قبال از قیام تنها بیانگسرو توصیف کننده جمهوری بود که در مقابل رژیم سلطنتی به توده ها قبولانده شد و پس از قیام نیز بعنوان بیان کننده عطف - محوری حرکت های رژیم قابل بررسی و بر - خورداست.

ما در یک سلسله مقالات خواهیم کوشیدیم تا مقایسه وعده ها و عملکردهای خمینی

با یکدیگر بیش از پیش به افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کمک رسانیم.

آیت الله خمینی، وعده و آزادی، حکومت اختناق

یکی از خواستهای مشخصی که توده ها در جهت برآوردن آن به جنبش روی آوردند آزادی بود. توده ها بیایا خاستند تا اختناق و خفقان حاکم در رژیم شاه را براندازند، بیایا خاستند تا سانسور مطبوعات و راديو تلویزیون و سانسور کتب و نشریات را براندازند، بیایا خواستند تا ساواک و سایر ارگانهای سرکوبگر رژیم را نابود کنند و با تکیه به نیروی خلق آزادی سیاسی را برقرار سازند. همه دیکتاتوری سیاه محمدرضا شاه را بخاطر داریم. همه بنیاد رژیم که چگونه کارگران حق کوچکترین تشکلی را نداشتند، چگونه کوچکترین خواسته و اعتراضی با شدیدترین وجه سرکوب میشد. چگونه ساواک سلطه خود را بر همه جا گسترده بود، چگونه اعتراضی به زندان و شکنجه منجر میگشت، انشأ - نوشدن محکومیت داشت و کتاب داشتن اعدام، چگونه تمامی روزنامه ها تحت سانسور سیاه و در قبضه رژیم بود، چگونه راديو تلویزیون در مدح شاه جلاد بسطه دروغ پرداز و تحریف میپرداخت، چگونه دانشجویان مبارزه خون کشیده میشدند، انقلابیون در سیاه ها شکنجه میشدند و خلق بر اثر اعتراض کشتار میشد. توده ها برضد این اختناق و دیکتاتوری سیاه بود که بیایا خواستند و یکی از مهمترین خواستهایشان نیز آزادی بود.

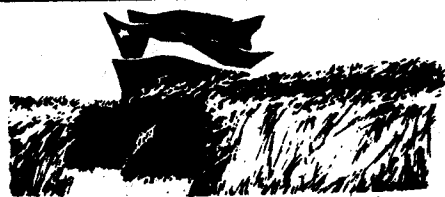
آیت الله خمینی بخوبی به این خواست توده ها واقف بود. خمینی بخوبی میدانست توده ها بی که با آنها در زیر اختناق و سانسور سیاه میسر برده اند خواهان آزادی، بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و... هستند. از اینرو او میگوید: "علت تظاهرات کارها بی است که شاه در این مدت کرده است مردم از اختناق و کشتارها ناراضی و تظاهرات رو به آزادی است" (معا صبه بیان راه راديو تلویزیون هلند ۱۲ آبان ۵۷) و هم چنین آیت الله خمینی مردمان ایران در دوره شاه را "انسانهایی که امروز در نظام پلیسی از فعالیتهای فکری و آزادی در کار محروم شده است" مینامد (معا صبه بیان مجله آلمانی اشپگل ۱۶ آبان ۵۷) و میگوید: "مطبوعات و کلیه وسایلی که با بدیه و وسیله آن تبلیغ شود در این مهال در اختیار

شاه بوده است، تمام اشکال آزادی از ملت ما سلب شده است" (معا صبه با تلویزیون - فرانسه کانال یک ۵/۸ آبان ۵۷) آیت الله خمینی نه تنها در تمامی این سخنان خود بطور مشخصی وعده بک حکومت آزاد و دموکراتیک حکومتی که در آن از اختناق و کشتار و خلق غمخیز نیست، حکومتی که در آن فعالیتهای فکری آزاد است و حکومتی که در آن تمام مطبوعات و کلیه وسایلی که با بدیه و وسیله آن تبلیغ شود در دست یک "شاه" متمرکز نیست را میدهد، بلکه با آگاهی کامل بسطه خواستها و تمام بیانات دموکراتیک توده ها جمهوری اسلامی را به شکل دموکراتیک ترین و آزادترین رژیم ها تصویر میکند تا به این طریق توده های متوهم را بدنبال خود بکشاند. او میگوید: "با قیام انقلابی ملت، شاه غولهریفت و حکومت دیکراتی و جمهوری اسلامی برقرار میشود" (معا صبه با تلویزیون آمریکا سی - سی - سی - ۱۵ آبان ۵۷) و تا کنده میکند در جمهوری اسلامی "انسانهایی که امروزه در نظام پلیسی از فعالیتهای فکری و آزادی در کنار محروم شده است، تمامی اسباب ترس و واقعیات کار را بدست خواهد آورد" (معا صبه با مجله آلمانی اشپگل ۱۶ آبان ۵۷).

خمینی حتی پارافرازمیگذازد و در جهت فریب، در جهت جلب تمامی اقشاری که خواستار آزادیها و حقوق دموکراتیکند و عده هرگونه آزادی را میدهد، او در جواب این سؤال که "آیا در حکومت اسلامی ما رکیبیتها دارای آزادی عقیده و بیان عقیده و همچنین آزادی انتخاب شغل هستند میگوید" در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده ای هستند" در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی بر حسب ضوابط قانونی محفوظ است" (معا صبه با نما یکنه سا زمان موفوبین الملی ۱۹ آبان ۵۷) خمینی به اقلیتها مذهبی نیز وعده "همه نوع آزادی را میدهند و میگوید" دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت - های مذهبی آزادی بطور کامل هست - و هر کسی میتواند اظهار عقیده خویش را - بکند و اسلام جواب همه عقاید را میدهد - دارد" (معا صبه با خبرنگار ایتالیایی ۱۱ آبان ۵۷) خمینی میگوید "دولت اسلامی تمام منطقتها را با منطق جواب میدهد" (معا صبه با آیت الله خمینی در آزادی - مطبوعات را تضمین میکند و میگوید "مطبوعات در نشر حقایق و واقعیات آزادند، هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مخالف مردم را به خطر

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا قاطعانه از گشت و برداشت شورائی دفاع میکنند

دهقانان ترکمن:

ما همه با هم هستیم و محصول
را شورائی برداشت می‌کنیم.

چند نمونه از مقاومت دهقانان -
زحمتکش ترکمن صحرا را در زیر می‌آوریم:

روستای یارتی قایه

این روستا در ۲۰ کیلومتری گنبد
قرار دارد. جمعیت آن ۲۰۰ نفر، ۸۵ خانوار
است. دهقانان این روستا در اوایل
قیام، زمینهایشان را به معادری کرده
و گشت و برداشت شورائی را نداشتند.
سرکوب‌های مکرر نتوانست دهقانان را از
کار و حرکت خود با زدن آنها را همچنان
به گشت و برداشت زمین آدا مه‌دا دند و امثال
هنگامی که قصد داشتند محصول جو و گندم -
چهار صد هکتار زمین خود را برداشت کنند
شورایا و فرمایا دهقانان می‌خواستند
که: ۱- محصول به سیلوی دولت ریخته
شود؛ ۲- ۲۰ درصد به صندوق دولت واگذار
شود؛ ۳- به هر سهم از زمین ۲۰۰ کیلو
گندم ۲۰۰ کیلو جودا ده شود.

گردانندگان شورایا و فرمایا با رتسی
قایه که با مقاومت دهقانان روبرو شدند
از با سداران سرما به کمک طلبیدند
و آنها را به روستا آوردند. اما تهدیدها،
و اراغایها سداران و شورایا و فرمایا
و سایر عناصر ضد دهقانان، کار ساز
نمی‌شود و دهقانان به کار خود ادامه
می‌دهند. آنها در جواب اراغیف و سفین
پراکنشی‌های مادی زاده مسئول هیئت
گشت زمین می‌گویند: "ما خودمان زمینها
را معادری کردیم، خودمان گشت شورائی
کردیم، حال ما خودمان برداشت شورائی
می‌کنیم." عوامل رژیم حریمانه اعمال
ضد دهقانان خود را به پیش می‌برند تا به هر
ترتیبی، دهقانان را به تسلیم وادارند،
اما همواره با مقاومت متحدانه و سر
سختانه دهقانان مواجه شده و هدفها
و نقشه‌های پلیدشان نقش بر آب می‌شود
و سرانجام دهقانان پس از نژده روز -
مقاومت و ایستادگی در مقابل زورگوشی
عوامل رژیم و مدافعان زمینداران بزرگ
محصول را عادلانه بین خود تقسیم می‌کنند.

روستای بی‌بی شیروان

در این روستا که در ۲۵ کیلومتری
گنبد واقع شده و دو هزار نفر جمعیت دارد
دهقانان با تشکیل شورای خود ۷۰۰۰ هکتار
زمین را معادری کردند و به گشت و برداشت
شورائی پرداختند. بعد از سرکوب شورایا
در سال ۵۹، روستایان زحمتکش بی‌بی
شیروان، زیر بار و شرورهای تحمیلی و

همزمان با فریبیدن فعل برداشت
محصول، ترکمن صحرا هر روز شاهد هجوم -
مسلحانه یو ام ال رژیم به روستاها و
مقاومت و ایستادگی یکپارچه دهقانان و زحمتکش
این منطقه است. دهقانان با اتحاد
خود، از شورایا و گشت و برداشت شورائی
دفاع می‌کنند و به مزدوران رژیم -
زمینداران بزرگ اجازه نمی‌دهند محصول
یکسال زحمت آنها را تاراج کنند.

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون تلاش
بسیار کرده است که دهقانان ترکمن
صحرا را با تفکال بکشد. رژیم کوشید
با سرکوب ستاد مرکزی شورایا دهقانان
و شورورهایان خلق ترکمن، مبارزات -
انقلابی دهقانان بتمدید و محروم ترکمن
صحرا را با فریب و سرکوب متوقف و متلاشی
کند. اما دهقانان ترکمن صحرا که قبل
از قیام مابین ماه ۵۷ و پیش از سابر
توده‌های دهقانان ایران، به حرکت درآمده
به معادری انقلابی زمینها می‌شود،
و تشکیل شوراهای واقعی خویش دست
زده و تاکنون تجربه‌های خونباری را از سر
گذرانده‌اند، همراه عناصر انقلابی و -
مبارزان دستاوردهای خویش در برابر
بورش‌های انقلابی رژیم جمهوری اسلامی
به انحاء گوناگون دفاع می‌کنند. عوامل
رژیم در آغاز این فصل به زور رژیم و کمک
های دشمنانه و ضد شورائی، شورایا و فرمایا
که در پیش سرکوبی شوراهای واقعی در -
آغاز سال ۵۹ ساخته شدند، به روستاها رفته
از دهقانان می‌خواستند که اولاً محصول
را به طور شورائی برداشت نکنند، ثانیاً
محصول به سیلوی دولت ریخته شود -
علاوه بر آن دهقانان باید ۲۰ درصد
صندوق دولت محصول بدهند تا در مقابل
۲۰۰ کیلو گندم، ۲۰۰ کیلو جودا دهقانان
دا ده شود.

دهقانان به طور آشکار می‌پندند که
رژیم با کمک شوراهای فرمایا قصد دارد
جلوی برداشت شورائی را بگیرد تا در پیش
آن زمینها را هم ز دست آنها به در آورد.
دهقانان تقریباً در همه روستاها ضمن
اعتراض شدید به این سیاست رژیم، متحد
و مقاوم برخورد کرده‌اند و خود را پیشترده و به
تهدیدها و هشدارهای عوامل رژیم تن در
نمی‌دهند.

فرمایا بشی ترفته و کمکان شورایا و افسی
خود را حفظ کردند. دهقانان در سال ۵۹،
حدود ۳۰۰۰ هکتار زمین را به صورت شورائی
زیر گشت پهنه و گندم جو بردند و محصول
آنها را به طور عادلانه بین خود تقسیم کردند.
امسال نیز گشت شورائی را عادلانه
اما علاوه بر برداشت محصول شده است
دولت به آنها فشار می‌آورد که نباید محصول
را بدون اجازه دولت برداشت کنند و هم
چنان که در خبرمربوط به روستاها یار تی
قایه آمد، دولت دهقانان را متلاشی
کرده که محصول را به سیلوی ریخته، ۲۰ درصد
صندوق دولت بدهند. مقابل برای هر
سهم ۲۰۰ کیلو گندم، ۲۰۰ کیلو جودا ده
اما دهقانان زحمتکش بی‌بی قایه
ها و دولت برداشت شورائی را در اوایل
خرداد شروع کردند. جاشها و سبها و هیئت
گشت زمین بلافاصله به ارگانهای محلی
خبر رسا شدند و در پی آن با سداران مسلح
به روستا ریخته و کار را متوقف کرده و
اعضای شورایا و افسی را نیز دستگیر کردند.
دهقانان از پای نماندند، متحد و مقاوم به
حرکت خود ادامه دادند و ضمن آزادی -
نمایندگان خود، برداشت شورائی را نیز
به پایان رساندند.

روستای مجید حاجی

در این روستا مادی زاده مسئول
هیئت گشت زمین به حمله و دیگری متوسل
شد. او با سخنرانیهای بی‌فایده افکنانه
قصد داشت، بین دهقانان زحمتکش
سیستان و ترکمن کینه و دشمنی بیندازد
تا به زعم خود از برداشت شورائی جلوگیری
کند. اما جملگی دهقانان این روستا،
اعمال سیستان و ترکمن یکمدا به مادی -
زاده اعلام می‌کنند، "ما با هم هستیم و به
طور شورائی محصول را برداشت می‌کنیم."

چپاول محصول در چند روستا

در روستاهای بدرآق، ملا، و شیخ
موسی نیز شوراهای فرمایا بشی تلاش کردند
تا از برداشت شورائی دهقانان جلوگیری
کنند، این شوراها که مزدور و مجری برنا
ها و اعمال ضد دهقانان و تفکالی ما کمیت
هستند، روستاهای مذکور ضمن دستگیری
عناصر مبارزان روستاها و مقاومت‌های
چند روزه دهقانان را به زور سلحه به
شکست کشانده و حاصل دسترنج آنها را طبق
همان سیاستهای اعلام شده چپاول و غارت
کردند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

جنبش جهانی

کارگری - رهائیش



آلمان - حمله پلیس فاشیستی

آلمان به زاعه نشینان

دوماه پیش عبر حرکت انقلابی زاعه نشینان برلین در تصرف خانه های خالی سرما به داران و سکونت در آنها را در کار درج کردیم. این حرکت انقلابی و حشمت مرگباری را برای سرما به داران در پی داشت دولت امیریا لیستی و پلیس سرکوبگر آلمان برای جلوگیری از گسترش این حرکت

انقلابی به سرکوب فاشیستی حشمتشان زاعه نشینان و جوانان مدافع آنها دست زد. هفته گذشته نیز ما تندماه پیش نیروهای پلیس جهت بیرون راندن زاعه نشینان از خانه ها سرما به داران به آنها یورش برد. این حمله وحشیانه با مقاومت دلیرانه زاعه نشینان روبرو شد و پلیس درگیریها و مذکور ۱۲ پلیس زخمی و ۱۳۳ نفر زاعه نشینان دستگیر شدند. جوانان مبارز برلین برای اعتراض به دستگیریها و سرکوب زاعه نشینان دست به ایجا درآوردند و دستگیرها و یخیا با نسبی زدند و به مقام پلیس سرکوبگر برده شدند.

عراق توسط مبارزان کرد عراقی

۵ آلمانی به گروگان گرفته شدند

اتحادیه میهنی کردستان که رهبری مبارزات ترقیخواها نه کردستان عراق را برعهده دارد طی اطلاعیه ای در هفته گذشته خبر داد که واحدهای رزمنده پس از زمان ۵ مهندس و تکنسین آلمانی و وابسته به شرکتها یا میربا لیستی را در منطقه کرکوک واقع در شمال عراق به گروگان گرفته اند. اتحادیه میهنی اعلام داشت که حاضر است شرایط ملاقات با آنها را در گروگانها را با آنها در مناطق آزاد شده کردستان عراق فراهم آورد. این سازمان همچنین شرایطی را برای آزادی گروگانها اعلام داشته است که در مورد خلاصه میشود:

۱ - دولت آلمان باید از اقدامات واعمالی که تاکنون در جهت پشتیبانی از تروریسم دولتی رژیم عراق انجام داده از جمله عدم مجازات مزدوران نشی را که به مراکز تجمع ترقیخواهان کورد در آلمان حمله کرده بودند، رسماً "معذرت" خواهی کند. ۲ - آلمان باید فروش جنگ افزار به داران و دسته ها کمبر عراق را متوقف نماید. ۳ - آزادی ۲۷ رزمنده کرد که در زندانها میباشند در انتظار اعدام به سر میبرند. ۴ - آزادی دانش آموز که علیرغم سنین پایین تر از ۱۳ سال مدتهاست در اسارت رژیم سر میبرند. ۵ - آزادی خانواده پیشمرگانی که به آنها مدافعان فرزندان انقلابی در اسارت سر میبرند. ۶ - برده شدن ۵ میلیون مارک آلمانی از طرف شرکتها یا نهادی به خانواده شهدای کردستان عراق وابسته به اتحادیه میهنی.

السالوادور یک تصویر از

دهها و صدها نمونه جنایت و وحشیگری رژیم حامی سرمایه داران علیه خلق و فرزندان انقلابی آن



رشد و گسترش مبارزه انقلابی سالوادورها تندمیهن ما ایران برده های ربا و تزویر رژیم کودتا را کنار زده چهره دمشی او را نمایان ساخته است. نیز آشکارا به شکنجه و اعدام کودکان و خردسالان دست میزند و هیچ پروتشی از اعتراضها به جنایت های خویش ندارد. شورای نظامی حاکم نیز همچون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مدعیین که کودکان و نوجوانان توسط افراد دزدکی سال اغوا شده اند و به انجام عملیات انقلابی علیه رژیم دست میزنند. اما کبک که این دلایل ابلهانه را بپذیرد. جنبش در روند روبا لندگی خویبه خرد و کلان را در خود جای میدهد. کودکان خردسال ۴ ساله ویتنام نبودند که آمریکا شهبای جنایتکار از آنها کذا آنها با نداشتن یک بمب یا حتی حشمت داشتند. مگر در همین میهن انقلابی، این غنچه های معدومها همان سیاه کوچولوی در بای خلق های ایران نبوده و نیستند که خواب را بر سرغان ما میخواباند و از آنها میخواباند.

ترکیه اعدام فاشیستی ۲ انقلابی

کمیونیست در ترکیه و تقاضای اعدام برای رهبر اتحادیه انقلابی کارگران

طبق یک اعلامیه رسمی کودتاچیان اعتراف کردند که در هفته گذشته دو تن از انقلابیون کمیونیست ترکیه را با اتهام قتل مستشاران آمریکا در دوماه پیش، اخیراً اعدام کرده اند. این اقدام جنایتکارانه شبیهت به اعدامها نیست که این روزها توسط مزدوران سرمایه و پیدا دگاها جمهوری اسلامی در حلق انقلابیون کمیونیست و دیگر مبارزین اعمال می شود. از جمله برای مقابله می توان با آنها مرات اعلام شده از سوی پیدا دگاها در مورد در قتل سعید سلطنتی و محسن فاضل یاد کرد. سعید سلطنتی رهبر اتحادیه انقلابی کارگران

(مبارزه با رژیم شاه) اعدام، محسن فاضل پسور با اتهام قتل (بمب کذا) در هتل شاه عباس در زمان رژیم شاه) اعدام آری، در حالیکه مبارزات کارگری و نیز مبارزات دموکراتیک و انقلابی در ترکیه هر روز سازمان یافته تر و وسیع تر میگردند. دادگاهها و فرمایشی نیز شدند تشکیل و در خدمت و حمایت از سرما به داران انجام میبندد. بیجا در می کند، از جمله در هفته پیش توسط یکی از همین پیدا دگاها های نظامی - رفیق "عبداللله با سترک" یکی از رهبران کشتن اسون سندیکاها ی انقلابی کارگران ترکیه D.I.S.K. را به آنها متلاش برای آزادی کردن حکومت نظامی آن کودتاچی محاکمه کرده و برای وی تقاضای اعدام نموده است. آری، این است منطبق سرما به داران و رژیمها و وابسته به آنها در همه جا جهان آزادی ستش را و غارت برای سرما به داران زندان - تبعید - اعدام برای کارگران

مراکش عقب نشینی

توطئه گرانه سلطان حسن

رژیم پادشاهی مراکش در هفته های گذشته بخاطر مواظبت بزرگ اعتبارات

و نظارات منفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان شهرها بحران جدیدتری روبرو شد و این در زمانهاست که تداوم مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبان بحرانهای عمیقتر و پیچیدهتری را در پی ضربات کوبنده تری روبرو میگردد و اوضاع

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش سراسر جهان

گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی اول ماه مه در واشنگتن



در سوم ماه مه تظاهرات با شکوهی با شرکت بیش از صد هزار نفر در واشنگتن برگزار شد. مسیر این تظاهرات از جلوی وزارت امور خارجه تا جلوی ساختمان پنتاگون بود. این تظاهرات در ۱۰ سال گذشته بی سابقه بوده است.

مهمترین شعار این تظاهرات، اعتراض به سیاستهای جنگ افروزان و تجاوزکارانه دولت آمریکا بود، خصوصاً "مسئله تاج و تخت" آمریکا در السالوادور محور شعارها و سخنرانیهای این روز بود.

در کنار شعار محوری مسائلی از قبیل تبعیضات نژادی، سیاستهای اقتصادی آمریکا بخصوص در رابطه با سیاهپوستان و تودههای وسیع محروم جامعه، افزایش بودجه نظامی، عدم رعایت حقوق زنان و غیره در سخنرانیها و شعارها مطرح و مورد اعتراض قرار گرفت.

در این تظاهرات که از سوی قریب ۷۰۰ سازمان و چهره مشرقی مورد تأیید قرار گرفت، سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان شرکت فعال نمودند. نمایندگان جنبشهای آزادیبخش السالوادور، فلسطین، پورتوریکو و جنبش سرخپوستان آمریکا سخنرانی داشتند و سیاستهای فدخلقی آمریکا را در سطح جهانی و داخلی شدیداً محکوم کردند.

خمینی چه گفت، خمینی چه کرد؟

بقیه از صفحه ۹۰

بنیاداً آزادند و اسلام در تمامی این شئون حدود مرز آنرا تعیین کرده است (همانجا) و حتی با افراتر نمی نهد و میگوید "در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند (مما حبه با روزنامه هندی دی ولت کرانت ۱۶ آبان ۵۷)

اما پس از برقراری جمهوری اسلامی تمامی این وعدهها به فراموشی سپرده میشود و رژیم تحت رهبری خمینی تاجایی که قدرت دارد در جهت برقراری سرکوب و اختناق، با سانسور و کشتار به پیش میرود.

آیت الله خمینی و سران دیگر رژیم فراموش میکنند که مردم "راختنای و کشتار" ناراضی بودند و قیام کردند. در طی همه جمهوری اسلامی خلق کرد و ترکمن و سپس خلق عرب و گارگران و زحمتکشان سراسر ایران در هر کجا که لب به اعتراض می گشایند کشتار میشوند، "مطبوعات و کلیه وسایلی که با بدیه و سیله آن تبلیغ خود را میکنند مانند ۵۰ سال که در اختیار شاه بود" به سرعت به قبضه رژیم در میآید. سایر نشریات تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته ممنوع میشوند. با سانسورهای برقرار میگردد. رادیو تلویزیون درست ما نند دوره شاه به جعل اکاذیب و دورغ - پروازی مشغول میشود، "فعالیتهای فکری" را دیگر در شدیدترین محظور قرار میگیرد. هنرمندان، نویسندگان و شعرائ انقلابی تحت فشار، دستگیری، ضرب و شتم و... قرار میگیرند، کارنوهای دمکراتیک بسته میشود، "آزادی در کار" بمرصفت با بحال میشود، تصفیههای عقیدتی اوج میگیرد. معلمین بسیاری به جرم جیبی بودن اخراج میشوند. در کارخانهها و ادارات تصفیههای عقیدتی ابعاد گستردهای مییابد. اقلیتهای مذهبی - علیرغم تمامی قولهای آیت الله خمینی تحت شدیدترین فشارها قرار میگیرند. نه تنها آزادی انتخاب شغل برای آنان - وجود ندارد، نه تنها در بسیاری از ادارات و وزارتخانهها استخدام نمیشوند و شروط بدست آوردن پستهای بالای مملکتی مسلمان و شیعه بودن قرار میگیرد بلکه حقوق اولیه اجتماعی آنان نیز سلب میشود و بحورت شهروندان درجه دوم در میآید. مطبوعات که خمینی آزادی نشر و حق چاپی و وقایع را برای آن تضمین کرده بود به قبضه حزب جمهوری اسلامی در میآید و سانسورهای سختی بر آنها حاکم میگردد. اجتماعات و احزاب مورد شدیدترین بزه و سرکوب قرار میگیرند و دولت اسلامی در عوض اینکه "تمام منطق" ها را با "منطق جواب دهد" ترا با چماق و سرنیزه، کشتار و ترور، زندان و شکنجه

پاسخ میدهد. و کمونیستها نیز نه تنها در بیان عقاید خود آزاد نیستند بلکه بمحض شنا سوسی، دستگیر، شکنجه، ترور و حتی اعدام میشوند.

تمامی وعدههای آیت الله خمینی پس از تحقق جمهوری اسلامی نقش بر آب میگردد و سراب جمهوری اسلامی پس از تحقق رنگ میبازد.

سخنان آیت الله خمینی در باره آزادی و دمکراسی پس از کسب قدرت تغییر میکند. آیت الله که تا بحال وعده میداد روزنامهها و احزاب آزادند اینک میگوید "اگر ما انقلابی بودیم اجازه نمیدادیم اینها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام میکردیم، تمام جبههها را ممنوع اعلام میکردیم، یک حزب و آنهم حزب الله، حزب مستضعفین و "اگر ما از اول... بطور انقلابی عمل کرده بودیم قلم تمام مطبوعات (فاسد) را شکسته بودیم و تمام مجلات و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روزهای آنها را به محاکمه کشیده بودیم". (سخنرانی در دیدار با مردم قم ۲۷ مرداد ۵۸) آیت الله خمینی اینک که در قدرت است معتقد به سرکوب و خفه کردن تمامی مطبوعات است که مخالف او و رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین گامی بر میدارند. اینک دیگر فقط یک حزب و آنهم حزب الله رسمیت و مشروعیت دارد یعنی حزب سرکوب و غفلقان و ترور، یعنی خمینی که تا بحال معتقد به آزادی - شغل آزادی بیان عقیده بود (حتی برای کمونیستها) اینک میگوید "شما باید با سایر قایمان که در آنجا (منظور رادیو تلویزیون است) هستند و متعهد، با هم این افرادی را که الان برای مملکت ما مضر هستند، این جیبیها، اینهایی که با این طرف و آن طرف رابطه دارند، اینها را باید تصفیه کنید بدون اینکه بترسید." (سخنرانی در دیدار با مسئولان صدا و سیما ۱ خرداد ۵۹) و بالاخره نیز آیت الله خمینی که وعده میداد "میزان رای ملت است" کار را به جیبی رسانیده که میگوید من در مقابل رای ۳۶ میلیون نفر نیز خواهم ایستاد.

آیت الله خمینی نه تنها پیش از کسب قدرت بلکه تا مدتها پس از قدرت گیری نیز فریادهای آزادیخواهان را سر میداد. اما اینک پیش از پیش چهره خود را می نمایاند آیت الله خمینی در اساس حکومتی قرار دارد که هرگونه آزادی را مورد شدیدترین بزه قرار داده و در جهت برقراری حاکمیت ترور و کشتار و اختناق به پیش میرود.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلی

چون کوه استوار و چون یولای کمخوارم و سرسخت باشم

بقیه از صفحه ۱

هاشی است که کمونیستها در لحظات دشواری خود نشان داده اند. سراسر تاریخچه مبارزات کمونیستها مشغول است از عالیترین مقاصد تا قهرمانی ها و از خودگذشتگی ها، درسیا هجالتها، بیدادگانه ها، شکنجه گاهها و میدانهای تهر، این درسی است که ما باید در شرایط و اوضاع کنونی، هنگامیکه رفقای قهرمان ما و انقلابیون راستینی که در زیر تیغ جلادان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بشهادت میرسند و تا آخرین لحظات حیات خود با عشق و امید به آینده پیروز - منته طبقه کارگرو توده های زحمتکش مقاومت میکنند و سرافراز گیاره های جلادان را پذیرا می شوند، همچنان مدنظر داشته باشیم.

رفقا! اما چگونه که قبلا گفتیم مرحله نوینی در نبرد قلمی میان انقلاب و ضدانقلاب آغاز گشته است. رژیم جمهوری اسلامی که پیش از دو سال با تکیه بر توهمون و ناگهی توده ها به حکومت دروغ و نیرنگ خود ادامه داد، اکنون در برابر بردار روزافزون ناراضی توده ها، گسترش بحران اقتصادی و سیاسی موجود و قدرت گیری سازمانها و نیروهای انقلابی، خود را بیش از همیشه ناتوان می بیند، بنا بر این تمام پرده های ریا و فریب را یکبار زده و آشکارا نبرد مرگ و زندگی را آغاز کرده است. چون سگی هار دیوانه و ارباب هر سو حمله می برد، دسته دسته نیروهای انقلابی را که جر می جرفد دفاع از آرمان مقدس کارگران، منافع زحمتکشان و آزادی خواهی ندارند و بیدادگانه های شبه فاشیستی خود محکوم و به ردیبلانترین وجه بجوخه آتش می سپارد. رژیم تلافی دیوانه واری را آغاز کرده است تا بحیال خود با ایجاد محیط رعب و وحشت و تهنیلیفات زهر آکین جلورش و گسترش سازمانهای انقلابی و جنبش تبه های راست کند و خود را زور طه سقوط نجات بخشد. اما برآستی بنا به علل علنی و ذهنی این تلاشها مذبحخانه و گامای عیب است.

هنگامیکه دهها و صدها فدائی و مجاهد و انقلابیون دیگر حتی در اسارت بریش رژیم می بندند، تا آخرین لحظات حیات خود آغوشی تا پذیرایی بگیرند می ریزند و سرانجام مرگ را با آغوش باز پذیرا میشوند، تمام تلاشهای مذبحخانه رژیم را نقش بر آب میکنند و با این قهرمانی و روحیه انقلابی نشان میدهند که فرزندان، برادران و خواهران دهها هزار شهیدی هستند که قهرمانان انقلابی رژیم شاه را در گلولی تسویب و تا تک و مسلسل خفه کردند، رعبه براندام جنایتکاران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی می اندازند. این است آن عامل ذهنی و آن روحیه انقلابی که خواب و

خیالهای جنون آمیز رژیم را نقش بر آب میکند. از این مهمتر هنگامی بی به عیب بودن تمام این ترشهای ضد انقلابی رژیم و شکست قطعی آن می بینیم که در می با بیم رژیم موجود در آنتان بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار است که با سانی نمیتواند خود را نجات دهد. اعیان، مجدد جنبش انقلابی و آشکار توده های که بر بستراین بحران شکل می گیرند دوران انقلابی که ما اکنون در آن بسر می بریم با هیچ ترور و شکنجه، اعدام و اختناق قابل مها رکودن نیست، ممکن است با این بورشها و حملات سیمانه جنبش دجا رکود لحظه ای و موقتی گردد. اما همانگونه که تا کنون شاهد بوده ایم، دوباره در ابعادی گسترده تر بحرکت در خواهد آمد. این رژیم بنا بر شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود قادر نیست بحران اقتصادی و سیاسی کنونی را حل کند و در کوسپاسی با لنسبه طولانی را بر جنبش حاکم سازد. از این زور و بورش رژیم و هر حمله ددمنشانه تنها سقوط آنرا نزدیکتر می سازد. با چنین ارزیابی از وضعیت کنونی و چشم انداز آینده است که نیروهای انقلابی باید هوشیاری خود را حفظ کنند و خود را در وظایف انقلابی خود را در جهت آما دگی برای نبردهای تعیین کننده قریب الوقوع انجام دهند. از این رورقهای هوادار سازمان باید به رهنمودهای زیر توجه داشته باشند و پیگیرانه وظایف انقلابی خود را انجام دهند.

رفقا! در نظر داشته باشید که بورشهای ضد انقلابی کنونی رژیم، سرکوبها و اعدام های دستجمعی، همانند حملات گذشته ای، لحظه ای و فاشیست است. بنا بر این نمیتوانند با بیدار بمانند. رفقای هوادار باید درک این واقعیت و در نظر گرفتن اینکه رژیم همانند ما رژیم خورده است که میکوشد در آخرین لحظات حیات خود آخرین زهر خود را بریزد، باید در لحظه کنونی خود را از آنگزندان معسوم دارند و بنا بر این رعایت موازین اکیدم امنیتی و مخفیکاری امری ضروریست. در شرایط کنونی رفقای هوادار باید هوشیاری خود را چندین برابر کنند و اصول و ضوابط مخفی کاری را رعایت نمایند، البته نباید فراموش کرد که مخفی کاری بهیچوجه بمعنای پنهان شدن و دور شدن از توده ها نیست بلکه بالعکس، ارتباط فعال تر و نزدیکتر با توده ها و زندگی در میان آنهاست. فعالانه در میان رزات توده ها شرکت کنید و مبارزات آنها را ارتقا بخشید. رفقا! همانطور که میدانید رژیم با استفاده از تمامی اشکال پلیسی، تعقیب و مراقبت و جاسوسی دستجمعی نیروهای انقلابیست و تا کنون به بسیاری از خانه های شناخته شده (مثل خانه های

خانواده های شهدا و رفقای که قبلا دستگیر شده اند و از آنها آدرس دارند) بورش برده است. بنا بر این در محصل سکونت خودنها بیت دقت را داشته باشید. از رفت و آمدهای زائد و مشکوک کننده خودداری کنید، از ارتباطات بیهوده بپرهیزید، جلسات بحث و گفتگوی جمعی را موقتا محدود کنید. محل زندگی خود را کاملاً پاکسازی کنید. اسناد و مدارک را در دسترس قرار ندهید. رفقا! زمان نبرد قلمی هنوز فرا رسیده است، اما رژیم با توسل به چنین جنایات هولناکی، چون اعدامهای بی درپیی و دستجمعی میخواهد ما را بر سر منته نبرد قلمی بکشانند. با درک عمیق و مسئولانه از موقعیتی که در آن قرار داریم در مقابل چنین جنایاتی به احساسات لحظه ای تن ندهیم. دجا رهبران زدگی و عصبانیت نشویم. آرامش خود را حفظ کنیم، ما اکنون آنقدر تجربه آموخته ایم که اسیر تحریکات رژیم نشویم. ما آنقدر تجربه کسب کرده ایم که در نبردی که دشمن زمان و مکان آنرا معین میکند، شرکت نکنیم بلکه زمان و مکان قلمی نبرد را با و تحمیل کنیم. بنا بر این آرامش خود را حفظ کنید و خون سرد به مبارزه ادامه دهید و با این به طبقه کارگر تکیه بسازید. جنبش اعتلا با بنده توده ها به مرتبلیخ، ترویج، سازماندهی و تسلیح و آموزش توده آپرادازید. جنایات رژیم را افشا کنید، اعدامها و سرکوبها را به حربه ای علیه خود رژیم تبدیل کنید. در گسترش و انتقال اخبار مربوط به مبارزات توده ها بکوشید. در هر کجا که هستید حضور سیاسی خود را با توجه به شرایط موجود نشان دهید. در تکثیر و توزیع نشریات و مواضع سازمان بکوشید حتی اگر محیط بسیار رقیق و آزر باشد به پخش شبانه ها و با دیگر شیوه های ابتکاری بپردازید. در هر جا که هستید اخبار مربوط به مبارزات توده ها و گزارش مربوط به روحیات توده ها را برای ما بفرستید. مراکز سرکوب و خانه های امن دشمن، رهبران باندهای سیاه، فاشیستهای حزب اللهی، جاسوسان و جنایتکاران رژیم را شناسایی کنید، بهرگونه اطلاعاتی که بدست آورید، در اختیار سازمان قرار دهید. و بنا لافره رفقای که با زداشت می شوند، و بنا سازمان ارتباط دارند چنانچه به نحوی از انحاء ارتباط آنها با سازمان محل شد موظفند حتی در دادگاههای فرمایشی از آرمان طبقه کارگر، منافع توده های زحمتکش و مواضع سازمان دفاع کنند. پیروز باشید.



بایادفدائی شهید، سعیدسلطانپور،

شاعر و هنرمند انقلابی

از تار یک شکسته آزادی
این خون سرخ فدائی است
که می جوشد
در خم خلق، که میگوید بر مسلخ اوین
این مشت سرخ سعید است.
فربا دها و تکان فدایی
در کارخانه و معدن
در کارخانه و معدن
در اعتصاب و کشتزارهای خون
فرباد سرخ سعید است.

در خون کارگر
در خون روزگر
در خون سرخ خلق
این خون سرخ سعید است، که میجوشد.

آوازه خوان خوبی آزادی! آتشخان خشم
در بیا میهر و عشق، فرباد خوان شکنجه و شلاق
آوازه خوان کارو آزادی!

بگر کنون رفیقان
این عاشقان سرخ فدایی
باشینا مه و تنگ و گل سرخ
از کارخانه تا معدن
از کوره های تب زده تا کشتزارهای سرخ
آواز سرخ فدایی را
فرباد میکنند.

مواکیش

بقیه از صفحه ۱۱

عقب نشینی ...

آورد، شاه مغرب در مقابل با برآ مدنونین
توده ای در شهرها سیاست سرکوب لجام -
گسیخته را پیش میبرد و بشیوه همه رژیم
های رتجا میماند رژیم ایران اعتصابات
کارگری و تظاهرات توده ای را به گلوله
می بندد و مردم را به خاطر فریب دیوار آوردن
علیه گران می بیند که رویا تختنق به زندانها
و کشتارگانها روانه می کند.
شهرها در هفته گذشته طبق آمار
اتحادیه سوسیالیستین و نیروی خلق ۲۰۰
تن از زندانگان در راه نیکه علیه گرانسی
و سرکوب شما رمیداندند توسط پلیس مزدور
رژیم ملک حسن توسط گلوله بقتل
رسیده اند. و صدها تن دیگر نیز مجروح -
گردیدند.

رژیم زدا دن اجساد کشته شدگان
به خاک نوا دهها پشان خودداری می کنند.
گزارشات خبری که از آن است که تمام
بیمارستانها شهر آرزو غمی های هوادار
آخر پر هستند و در بولتن بیمارستانهای
کارابلانکا رسا "اعلام گشته که اکثر کشته
شدگان روز غمی ها جا و گلوله برتن دارند.
مردم زخمی های بیشتر را بدون آنکه به
بیمارستانها بر آورند در خانه های خود
معالجه می کنند زیرا بعضی آنکه مجروحی
قابل انتقال باشد پلیس که بیمارستانها
را تحت اشغال دارد و راه بر زندان منتقل
می کند.

از سوی دیگر بدنبال دستگیریها ی
آخرینها دگانها و سلطنتی برای رسیدگی
به آنها ما دستگیر شدگان در تظاهرات

بطور سری جلسات سرخ و کوتاه مدتی
را تشکیل دادند و درست مانند سردمداران
جنا پینکا رژیم جمهوری اسلامی بی آنکه
حتی اقوامین ضد خلقی خود رژیم را همراهیت
کنند به محکوم کردن متهمین می پردازند.
جالب توجه است که آنها همسایری از
مبارزینی که در بیدارگانها میگذرند
معا کمه میشوند و همین به مقامات مخره می
مملکت یعنی حضرت سلطان حسن و نیز
اقوام مبه خشونت قریباً بر نیروهای سرکوبگر
ذکر شده است.

البته جلسات دادگانها نیز بدلیل
ترس رژیم از فشارهای بیق توسط مبارزین
کاملاً سرری تشکیل می شود.

امادر رابطه با اینها: از آنجا که
رژیم حسن امروزه دیگر قادر به جلب حمایت
توده های ایرانی است از راه بر آنکس
احساسات ناسیونالیستی آنها علیه
پولیساری و خلق استقلال طلب صحرا است
و پیدا کردن سربازانی که بشود آنها را برای
سرکوب زندانگان صحرا برای حتی اجبر
و گسیل نمودند و راه را بسته است و نیز با توجه
به روحیه شکست خورده و مصروف متلاشی شده
ارتش پادشاهی در صحرا ی غریبی شاه حسن
بفکر توطئه جدیدی افتاد و آن اسلام
مواقت ظاهر یک رفتار نامزد صحرا ی -
غریبی است برای تعیین سر نوشت مردم
بدست خودشان جنبه پولیساری و سرکوبگر
شناخت از ما هیت رژیم ضد خلقی و سرکوبگر
ملک حسن به افشای مضمون واقعی پینکن
رفتار نامدما دعای برداخت و صریحاً اعلام
داشت که هرگونه راه حلی بدون خروج
قید و شرط چکمه پوشان پادشاهی مطرب از
سرزمین صحرا مردود است و خلق صحرا برای
تحقق خواسته های استقلال طلبانه خود هم
چنان به مبارزه ادامه می دهد.

کمکهای مالی دریافت شده

| نام (حرف اول) | مبلغ | نام (حرف اول) | مبلغ | نام (حرف اول) | مبلغ | نام (حرف اول) | مبلغ |
|---------------|------|---------------|------|---------------|------|---------------|------|
| بدون نام | ۲۱۲۰ | بدون نام | ۲۱۲۰ | بدون نام | ۲۱۲۰ | بدون نام | ۲۱۲۰ |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

| نام | مبلغ | نام | مبلغ |
|----------------|------|----------------|------|
| دبیرستانها | ۵۲۲۲ | دبیرستانها | ۵۲۲۲ |
| پیشگام هفتمینا | ۵۰۰ | پیشگام هفتمینا | ۵۰۰ |
| ... | ... | ... | ... |

| نام | مبلغ | نام | مبلغ | نام | مبلغ |
|---------------|------|---------------|------|---------------|------|
| کسکها و یا لو | ... | کسکها و یا لو | ... | کسکها و یا لو | ... |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... |

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد عزمت

بقیه از صفحه ۲

توده ها منجر شد. هرگاه بخوایم خلاصه کنیم، توده ها دربروسه مبارزاتی خود و در اثر تجربیات عملی شان بخوبی دریافته اند که رژیم جمهوری اسلامی با سخگویی خواستها و نیازها نشان نیست و از اینروروز بروز بیشتر توهمات خود را نسبت به امکان تغییر اوضاع از بالا از دست میدهند. سیر نزولی شرکت کنندگان در انتخابات و بخصوص انتخابات مفتضحانه میان دوره ای بخوبی این مساله را نشان میدهد. اگر تا بحال چندمشت توده ها به با لاینها شرکت وسیع آغاز آید، انتخابات سبب میشد اگر تا بحال افشای ماهیت ضد خلقی رژیم اطرین شرکت در انتخابات صورت میگرفت اینک دیگر توده ها در تجارب عملی خود بی بهره بودند از این انتخابات توده آید. تا کتیک ما باید تبلیغ این تجارب عملی توده ها، جمع بندی آن و در جهت کار بست این تجارب باشد.

تا کتیک که از سوی ما انتخاب میشود مشخصا با بدرجهت تشبیت این سبب اعتمادی مردم به حرکت و تغییر از بد لاد رجعت زدودن توهمات قانویت با شایان تا کتیک با بدنه تنها عدم امکان تغییر در جهت توده ها از سوی حزب جمهوری اسلامی را (که اینک توده های وسیعی به آن باور دارند) تشبیت کند بلکه با بدی اطمینان نسبت به لیبرالها و قطع امید نسبت به امکان حرکت مثبت از سوی آنان را نیز (که در هفته های اخیر رشدتوده) ذاتر زده تشبیت نماید. تا کتیک ما در مورد انتخابات با بد مشخصا "در خدمت ایده عدم امکان هرگونه تغییر از بالا قرار داشته باشد.

از سوی دیگر با بد شرایط مشخص موجود را بررسی نمود. اینک اقشار وسیع توده ای از رژیم جمهوری اسلامی بریده اند. اینک توده ها تحت شدیدترین فشارها، فقر، گرسنگی، بیگاری و آوارگی قرار دارند و بد رستی نیر در یافته اند که با سب رژیم جمهوری اسلامی به خواستهایشان بجز حمایت از سرمایه داران و زمینداران و بجز اعمال سرکوب چیز دیگری نیست. در همین حال او جکی بری مبارزات طبقاتی در یکماه اخیر و سرعت وقایع توانسته است با سرعتی شگفتی اور توهمات افشارو سیر توده ها نسبت به بنی مدروسا لیبرالها را تا حدودی با بدزداید. توده ها در تجربه عملی خود در یافته اند که بنی مدرو لیبرالها در کنار آنها قرار ندادند و در جهت خواستهای آنان مبارزه نمی کنند. شگفتی حرکت و فشار بنی مدرو، که حتی در این لحظات برکناری نیز نه تنها بچتریست اعتمادی به مبارزات توده ها نشان نداد بلکه به خمبندی و در نتیجه نظام جمهوری اسلامی اعلام وفاداری نمود، عملا "به بی اعتباری بنی مدرو رسد توده ها منجر شد.

بهرورومبارزات توده ها او جی نوین یافته است. اینک دیگر میتوان گفت توده های بیشتر و در روزی رژیم جمهوری اسلامی را آغاز کرده و تجربه می کنند. مبارزات خلق عمدتا "چهار سبب قانون بورژوازی را می شکنند و در وای آن شکل میگردد. توده ها اشکال متنوعی از مبارزه بر ضد رژیم را بکار گرفته اند که از ابتدائی ترین و منفعلانه ترین شکل چون اعتراضات لفظی و حتی لطیفه سازی تا عالیترین اشکال مبارزاتی، رود، روشی مسلحانه و یا راهپیمایی نظر کارگران شهر صنعتی را لبروز را در بر می گیرد. از آنچه گفته شد،

تحریم انتخابات ریاست جمهوری

میتوان در جمع بندی وضعیت موجود گفت علی رغم اینکه عقب مانده ترین افکار توده ها هنوز نسبت به رژیم متوسم و نا آگاهانه، مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی در یک بر آورد کلی در میان توده ها از میان رفته است. توده ها اینک امید خود را به بهبود شرایط موجود از دست دادند و در همین حال توهمات نسبت به امکان تغییر از بالا را از جانب بنی مدرو و لیبرالها نیز فرو ریخته است.

توده ها بدرستی در تجربیات عملی خود بی بهره اند که برای و نظراتشان، حتی رای و نظراتش متوهم توده ها نیز در تمهین سر نوشتشان و در تمهین سیاستهای رژیم تا ثیری ندارند. توده ها بدرستی درک کرده اند که در چنین نظامی با چنین چهار چوبی از قانون همه چیز تحت کنترل و اراده قدرتی مافوق قانویت یعنی ولایت فقیه است (در عین حال که در میان بد ولایت فقیه نیز خود چیزی جدا از رژیم نیست بلکه جزو آن و متاثر از آن است. ولایت فقیه به ابزار است در دست بورژوازی چار (بهرر توده ها دیدند که چگونه آنان را (هر چند را) اقشار متوهم خلق) به راحتی با یک ستمده بازی سیاسی تا پدید و با بحال شد. و هما نظریه فقیه "در سرقاله کار ۱۵ روزه ایم" اکنون... شرایط فراهم شده است که ما میتوانیم و با بد بطرح شمارهای بپردازیم که مستقما "حاکمیت را زیر علامت سوال قرار دهد. هنوز نمیتوان سرنگونی قهر آمیز حاکمیت را طلب کرد بلکه با بد از ضعف ترین و آسیب نا پذیرترین حلقه آن آغاز نمود "ما طرح کردیم که این ضعیف ترین حلقه، این منفورترین در نزد توده ها همانا حزب جمهوری اسلامی است و اینک با در نظر گرفتن تمام جوانب با در نظر گرفتن اینک انتخابات مستقما "در دست حزب و کاندیداهان نیز مستقما "وابسته به حزبند، میتوان توده ها را به تحریم انتخابات دعوت کرد. تحریم اینک در عین حال که دستور آغاز قیام نیست اما توده ها را به رود روشی با رژیم فرا میخواند و تا کتیک در جهت قرا

خواندن توده ها به سرنگونی رژیم است. تحریم اینک در عین حال که منطبق با سطح مبارزات توده ها است و از جمع بندی تجارب عملی آنان منطبق میگردد بقایای توهمات آنان نسبت به امکان تغییر از بالا را نیز میزداید و امید به تغییر از بالا را دروسیمترین افشار خلق تشبیت می کند. سوائ آنچه گفته شد، شرایطی را نیز که حاکمیت پیدا کرده است، خود در زمره عوامل دیگر است که ضرورت تحریم را دو چندان می کند. اکنون نه تنها از سازمانهای انقلابی حق هرگونه فعالیت علنی سلب شده است، نه تنها هرگونه امکان برای تبلیغ علنی و شرکت علنی در مبارزات از آنها سلب شده و در معرض بازداشت، زندان و اعدام قرار دارند بلکه حتی اپوزیسیونهای فدا انقلابی نیز در انتخابات اخیر شرکت نخواهند داشت. مثله بندی نیروهای سیاسی بخوبی این مسئله را نشان می دهد، ما اکنون با سه گروه بندی یکما بیش روشن در عرصه سیاسی ایران روبرو هستیم

الف - حزب جمهوری اسلامی به نمایندگی بورژوازی کلریکال، حزب توده و جناح راست اکثریت، این سه در مجموع نیروهای هستند که در انتخابات اخیر شرکت خواهند کرد.

ب - سازمانها و گروههای مارکسیست - لنینیست که مکرر تهای انقلابی در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

ج - طبقه وسیعی از نمایندگان بورژوازی لیبرال و نمایندگان بورژوازی بزرگ، این گروه نیز در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

در مجموع تنها بخش محدودی از نیروهای سیاسی موجود با یک توده ای و توان اقتصادی و سیاسی محدود در انتخابات شرکت خواهند کرد و بقیه نیروها این انتخابات را تحریم خواهند نمود.

"مسئله بسیار مهم دیگر که در انتخابات کتیک تحریم با بد به توجه نمود خود ویژگی شرایطی است که ما اکنون در آن بسر می بریم. علی رغم تمام سرکوبها و ددمنشی های رژیم جمهوری اسلامی طبقه های مبارزات کما "لا" انقلابی و اشکال مبارزات آشکار توده ای و اقبال مبارزات بسوی نیروهای انقلابی وجود دارند. در این شرایط تا کتیک تحریم مکمل مبارزات او جکی رده توده ها و تا کتیک در جهت بسیج بیشترین نیروی باشد. "یک نشانه که پیشنهادی بدون هیچ اشتباه و بشکل مشخصی نیست (از دیدگاه سازمانهای انقلابی) را نشان میداد این واقعیت بود که شمارهای انقلابیون نه تنها عکس العمل بوجود

می آورد بلکه واقعا "از وقایع عقب افتاده بود". در سال ۱۹۵۸ هیچ فراخوانی از طرف آنها نبود که غیره قفسال با سکوت، با با عدم شرکت در مبارزات جواب داده باشند، تحریم در چنان شرایطی یک مکمل طبیعی برای تشدید آتسفرها رز شده بود. شمار تحریم چیزی را در آن زمان "اختراع نکرد. آن شمار تنها و واقعا "بطور محلی خیزش را که بتدریج در جهت یک حمله مستقیم پیش میرفت فرو موله کرد" (علیه تحریم کلیات جلد ۱۲)

تا کتیک تحریم در شرایط فعلی بشکل طبیعی مکمل شعار طرح شده از سوی ما یعنی مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد دشواریهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان است. اینک نه تنها با بد انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد بلکه با بد در ازای آن لزوم تشکیل مجلس موسسان مبتنی بر شوراهای انقلابی را تبلیغ نمود. اینک با بد توده ها گفت که این انتخابات نیز چون با بر انتخابات در جهت تشبیت هر چه بیشتر حزب جمهوری اسلامی، در جهت قانونی کردن نهادهای سرکوب، در جهت قانونی کردن قیقه قدرت بدست حزب و در جهت سرکوب هر چه بیشتر توده ها است. با بد توده ها گفت تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، تنها تشکیل شوراهای انقلابی، تنها برقراری مجلس موسسان است که میتواند به خواستهای برحق شما جامه عمل بپوشاند. شما چه رژیم اهمیت جدی در رابطه جدانا پذیریم با فراخوان مستقیم مردم به قیام مسلحانه برای سرنگونی رژیم تزاریم و جایگزینی رژیم قدیمی با حکومت موقت انقلابی برای به وجود آوردن مجلس موسسان بر اساس رای مخفی، عمومی و مساوی و مستقیم، دارد. (تراهی گزارشی کنفرانس در شهر سوسال دو مکرر است نسبت به دوام ایوم)



اعدام رفقا محسن فاضل و سعید سلطانپور

لکه‌نگی دیگر بردمان رژیم جمهوری اسلامی

اعدام های گروهی و بدون محاکمه انقلابیون فرزندان های جمهوری اسلامی، مرموز از حتم و نظریات مرموز اسلام پسندانه است. مگر ما چه کار داریم که این اعدام های فزون و سگای و بیگونی اعدام انقلابیون شناخته شده ای همچون سعید سلطانپور و محسن فاضل را محکوم کرده اند. با زسان زحمتکش گردستان ایران (گومله) در بیعتی از انقلابیون خود می نویسد:

اعدام رفقا محسن فاضل و سعید سلطانپور لکه‌نگی دیگر بردمان رژیم جمهوری اسلامی است. دیروز از ایدئولوژیست‌ها پرسیدیم که چرا (۱۵) نفرین و مردک‌هستی هويت تعدادی از آنها مشخص نبود اعدام گردیدند؟ امروز صبح خبر اعدام هشت (۸) نفر دیگر که با زهويت دومزدونیک زن از آنها معلوم نبود را شنیدیم. "گمه" بمسرم شرکت در اغتشاشات اخیرا می بینید که حکم دادگاههای فدائیانقلاب رژیم جمهوری اسلامی حتی ننکین شرا زحکم دادگاهها و فدائیانقلابی آریه مهر و آزارهای است تا جایی که زحمت شناسایی متهم را نیز به خود نمی دهند. زهی وقاحت و بیشرمی در میان این هشت نفر اسم دوچهره آشنا رفقا محسن فاضل و سعید سلطانپور را شنیدید. این رفقا ماها قبل توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند.

رفیق محسن فاضل از کارهای سازمان زمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر و مبارزی قدیمی بود که بهترینها لهای زندگیش را در مبارزه با دیکتاتور میانه آریا مهری بسر برده و در راه منافع زحمتکش با سرما به داران جنگیده. چه در آزادی و چه در اسارت هیچگاه تسلیم سرما به داران نگردید و به منافع زحمتکش کارگران و زحمتکش پست نکرد.

رفیق سعید سلطانپور کار در سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بود. او شاخه انقلابی دوران فغان آریا مهری و از بزمهای آفتاب نوین انقلابی میهن ما بود که فعالیت در عرصه هنر و ادبیات به مبارزه با سرما به داران و دیکتاتور آریا مهری برخاسته و در سرنوشتی ما واک وحشیانه ترسیمی شکنجه‌ها را تحمل نموده و سالها از محرم را در سیاه چاله‌های رژیم پهلوی گذرانده بود.

کارگران و زحمتکش! علیه کشتار و غارتگران بوییزه سرکوب و اعدام نیروهای کمونیست و انقلابی و جمله رژیم جمهوری اسلامی به دستاوردهای قیام بهمن مساع و سرکوب آزادی و دموکراسی انقلابی اعتراض نمائید.

انتخابات میان دوره‌ای مجلس نموداری از سلب اعتماد توده‌ها از نهادهای حاکمیت

تعداد رای دهندگان به حدود یک میلیون بافته است. قابل توجه است که حدود ۲۰۰ هزار نفر بر طبق آمار سال ۵۵ (۱۳۳۴) ثبت نام شده است که با احتساب حدود ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر باقی مانده بنا بر این سید محسن پور میرغفاری که با ۲۲۷۱۱ رای انتخاب شده تنها بنا بر بنده ۴۰ درصد مردم تهران را نمایندگی می‌کند. طرف مردمی در انتخابات تهران در ۲۰ مردمان تعداد برای دهندگان در دوره پنجمین ۲۲۲۲۰ نفر تقلیل پیدا کرده. بعضی تعداد رای دهندگان فعلی ۲۰۰ دوره قبل است. از طرفی جمعیت تقریبی کرمان ۵۰۰ هزار است بنا بر این جهت احکام فهمیم، چنانکه برای کسب مسئولیت‌ها گردن و بریدن دستها و اعدام کردن بسیاری از مردم کرمان است فقط ۳۰۷۸۱ رای از کرمان و ما هان و راور و گلپایه آورده تنها نماینده در مردم می باشد و همچنین شهرها نظیر بندر انزلی، رودسر، سیرجان دره گز و... دست‌های از شهرهای فوق ندارند و مسامحه آنها را در جدول زیر نشان می‌دهیم.

دولت تحت کنترل حزب جمعه‌گویی اسلامی، پس از کناره‌گذاشتن بنی‌مدری و پورش به نیروهای انقلابی، تعطیل تمام روزها و تعطیل غیر حزبی و اعدام دسته‌جمعی مبارزان و انقلابیون و ایجاد محیط ترور و وحشت و اختناق در بین مردم، موقعیت را برای انجام انتخابات میان دوره‌ای بنا بر بنده و با عجله در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ (۲۵ شهریور ۱۳۳۹) تعیین نمود. این انتخابات در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ (۲۵ شهریور ۱۳۳۹) برگزار شد. هر چند رژیم توانست در چنین عجزی نوکران و عوامل خود را از صندوق‌ها بیرون آورد، اما گزارشاتی که در مطبوعات منتشر شده بروشنی نشان می‌دهد که با تمام تقلبات و برای سازبهاشی که کرده‌اند مردم عیلا انتخابات را نپذیرفته‌اند و هر آن شرکت نگرفته‌اند. تنها کمی تعداد رای دهندگان - که از طرف دولت اعلام شده - و مطابق آن با انتخابات همین مجلس در یکسال پیش نشان می‌دهد که تعداد رای دهندگان چندرگانه شده است. مثلا در شهرهای تهران و اراک و اهواز و... در مقابل برای مجلس تقریباً ۱۰۰۰۰۰ نفر ثبت‌نام شده‌اند. در حالی که وزارت کشور در انتخابات اخیر تنها ۲۲۱۶۵ نفر شرکت کرده‌اند یعنی بان ترتیب

| شهر | آراء انتخابات پیشین | آراء انتخابات اخیر | درصد کاهش | جمعیت تقریبی شهر | آراء نامیده مسج | درصد و آراء غیرین |
|---------------|---------------------|--------------------|-----------|------------------|-----------------|-------------------|
| ۱- تبریز | ۲۵۰۰۰۰ | ۶۲۱۶۵ | ۱/۴ | ۵۲۱۷۱ | ۵ | ۲ |
| ۲- اراک | ۲۵۰۰۰ | ۵۰۰۵ | ۱/۵ | ۴۸۳۸ | ۵/۵ | ۵ |
| ۳- کرمان | ۷۵۲۲۲ | ۳۳۲۲۰ | ۲/۳ | ۲۰۷۸۷ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۴- رودسر | ۱۷۱۲۹ | ۱۷۱۲۹ | ۱۰۰٪ | ۱۵۰۰۰ | ۷ | ۷ |
| ۵- سیرجان | ۱۲۰۰۰ | ۱۲۰۰۰ | ۱۰۰٪ | ۱۵۰۰۰ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۶- دره گز | ۱۱۲۸۲ | ۱۱۲۸۲ | ۱۰۰٪ | ۱۰۵۱۱ | ۱۷ | ۱۷ |
| ۷- هنرود | ۱۰۳۴۲ | ۱۰۳۴۲ | ۱۰۰٪ | ۵۲۰۰ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| ۸- گانر | ۱۱۲۲۵ | ۱۱۲۲۵ | ۱۰۰٪ | ۲۹۸۵۸ | | |
| ۹- شیروان | ۱۰۱۲۹ | ۱۰۱۲۹ | ۱۰۰٪ | ۶۶۶۶ | ۹ | ۹ |
| ۱۰- بندر لنگه | ۹۶۹۱ | ۹۶۹۱ | ۱۰۰٪ | | | |
| ۱۱- میانه | ۲۳۳۸۸ | ۲۳۳۸۸ | ۱۰۰٪ | ۱۶۰۲۲ | ۷ | ۷ |
| ۱۲- سرلوان | ۱۲۹۹۵ | ۱۲۹۹۵ | ۱۰۰٪ | ۱۲۸۴۲ | ۱۵ | ۱۵ |

دست داده‌اند زیرا همین یکسال و اندکی که از عمر مجلس میگذرد برای مردم کافی بوده تا به ما هیت خود مردمی آنی برسد مردم متوجه شدند که این چنین نهادهایی با توجه به ما هیت خود، نحوه انتخابات قدمدگراتیک آن و اینکه مردم قسار نبودند تا بنندگان واقعی خود را به آن بفرستند. اینکه چنانکه حتی لایبرالها قادر نبودند در مجلس حرف خود را بزنند و از همه مهمتر اینکه این مجلس در تمام طول حیات خود به کوچکترین خواسته و انتظار آنها پاسخ نداده است و آنچه بشمولب رسا نده علیه توده‌ها بوده است قابل اعتماد نیست. بنا بر این با وجود تمام تقلبات و شهیدها و اینکه سبب غمینی شرکت در انتخابات تهران کسب شرفی اعلام کرده که کمیت نظرات است تمام اعیان را به خودی از طرف رای‌های صندوق برای رای بگذاشتند و بان ترتیب مجلس شورای اسلامی بی‌آبرو تر از همیشه به نهادی که کوچکترین پایگاهی در میان توده‌ها ندارد تبدیل میگردد.

اما بسیار жал است که روزنامه‌های چیره‌خوار رژیم نظیر اطلاعات تا این عدم استقبال رای دهندگان را "استقبال کم نظیر" بشمار آورده و وقیحانه نوشته است: "عملت استقبال کم نظیر مسردم تا معت با بیان اغذرای تا ساعت ۹ دیشب تمدید شد" با توجه به اینکه ما رهبرای خودشان نشان می‌دهد که عملاً مسردم انتخابات را تحریم کرده و از شهر یک میلیون و دویست هزار نفری شهر فقط ۶۶ هزار نفر شرکت کرده‌اند! قرار است که زمان را تمدید کرده‌اند میرساند که آنها خواسته‌اند در یکی دو ساعت تمدید شده هر نوع تقلبی را انجام داده و صندوقها را برای تقلبی برگردانند و همین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که همین آراء منتشر شده هم به مراتب بیشتر از آراء واقعی مردم است.

انتخابات میان دوره‌ای بروشنی نشان داد که اکثریت وسیعی از مردم اعتماد و اعتقاد خود را نسبت به نهادهای قانونی نظیر مجلس دولت و..... از